

# فرهنگ تربیت



انجمن علمی پژوهشی  
دانشجویان دانشکده  
علامه طباطبائی سبزوار



دانشکده علامه طباطبائی  
سبزوار



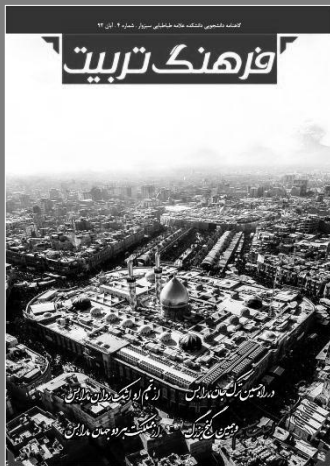
در راه حسین ترک جان مالدیس  
از تم او لشکر روان مالدیس  
اجابت حسینیم و همین کنج بزرگ  
از مملکت هر دو جهان مالدیس



خدایا...!

من با دل بریدن از همه کس ، قلب خود را از یاد غیر تو پیراسته ام و با تمام وجودم ، به تو روی آورده ام و از آن کس که خود نیازمند احسان توست ، روی حاجت برگردانده ام و از آن کس که از فضل تو بی نیاز نیست ، خواهش خود را پس گرفته ام و دانسته ام که نیاز خواهی انسان نیازمند از نیازمندی دیگر ، نشانه کم خردی و کج اندیشی است. ای معبود من! چه بسیار دیده ام مردمی را که از غیر تو عزت طلبیده اند و ذلت نصیبشان شده است و توانگری را نزد دیگران جسته اند و به تنگ دستی رسیده اند و هوس سربلندی کرده اند و به سرافکندگی دچار آمده اند. ای سرور و آقای من! تنها تویی که درگاهت، سرای حاجت خواهی من است؛ نه هرکسی که از او چیزی خواهند و تنها تویی که حاجتم را برآورده می سازی؛ نه هرکسی که از او خواهشی طلبند...

صحیفه سجادیه ، مناجات بیست و هشتم



# فہرست

۲ سخن سردبیر

۳ ملاقات خدا با بنده

۴ ۱۳ آبان نماد استکبارستیزی

۵ راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

۶ امام زمانت را بشناس!

۷ کُذِبَ الْوَقَاتُون!

۸ صدای بال ملائک

۹ فجایع جانسوز کربلا

۱۰ زندگی نامه شهید رحمت الله جغتایی

۱۱ راه سعادت

۱۲ مولفه های سبک زندگی اسلامی

۱۳ آشنایی با سید عبدالاعلی سبزواری

۱۴ استاد احمد کرابی

۱۸ گفت و گو با جناب آقای کاظم دلقندی

۲۰ ۱۶ آذر روز دانشجو

۲۱ دو کلمه حرف حساب

۲۲ پربینترهای سه بعدی

۲۳ پدیده پانوتیا

۲۴ آیات اسرار آفرینش

۲۵ مساله نسیت انیشتین در قرآن

۲۶ اندر فواید لیموترش

۲۷ سگته مغزی

۲۸ یلدا، میراث ماندگار

۲۹ چند حکایت

۳۰ اردوی فرهنگی معرفتی حیات طویه

۳۱ اخبار دانشکده

۳۲ به یاد دوست عزیزمان...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرهنگ تربیت



انجمن علمی پژوهشی  
دانشجویان دانشکده  
علامه طباطبائی سبزوار



دانشگاه فریمن  
دانشکده علامه طباطبائی  
سبزوار

## گاهنامه دانشجویی فرهنگ تربیت

صاحب امتیاز: دانشکده علامه طباطبائی سبزوار

مدیر مسئول: عباسعلی رادمان

سر دیو: محمد مقیم، راد

ہیئت تحریر یہ: مہران مظاہری نسب، حمید رضا اطہری نیا

**ویراستاران: ناصر عبداللہی، رسول جمالی**

طراحی و گرافیک: یونس کیخسروی

مسئول چاپ و نشر: سید مصطفی علوی زاده

خير نگار و عكاس: مصطفیٰ حاج محسنی، علی حبیبی، بهمن یحییٰ زاده

**تایب:** علی، بیدی، سید علی، یازقندی، میثم خوش، سما

با همکاری: احسان معصومی اصل، مهدی اسماعیل نژاد، محسن

خسرو آبادی، علی شادان و علیرضا عظیمی فرمان آبادی

و با تقدیر و تشکر از همکاری صمیمانه آقایان:

کازم دلقندی ، ریاست محترم دانشکده / عباس قاسمیان ، معاونت محترم آموزشی-پژوهشی / علی دلقندی ، معاونت محترم اداری-مالی / علیرضا فرداد ، کارشناس فناوری اطلاعات / محمد حسن جراحی ، کارشناس تکنولوژی / محمد محمدی جم ، کارشناس آموزش / سید رضا افضل نیا ، مسئول آموزش / علی فخار شیراز ، مسئول روابط عمومی / احمدرضا ملوندی ، مسئول امور مالی و کلیه کسانی که در تهیه و انتشار این شماره مددکار ما بودند.

آدرس: سبزووار - سی متری شهدای هویزه - تقاطع ولیعصر - دانشکده تربیت معلم علامه طباطبائی سبزووار  
تلفن: ۰۵۱-۴۴۶۴۵۸۰۰ فاکس: ۰۵۱-۴۴۶۵۹۲۴۴ کدپستی: ۹۶۱۷۶۳۸۴۴۴

ایمیل انجمن: [anjoman.tts@chmail.ir](mailto:anjoman.tts@chmail.ir) سایت مرکز: <http://www.tts.cfu.ac.ir> رایانامه: [Info@tts.ac.ir](mailto:Info@tts.ac.ir)

# سخن بسردبیر

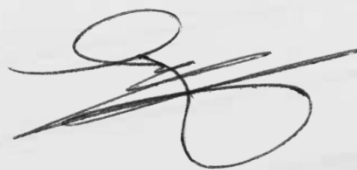
به نام خداوند ملام

آن روز که آهنگ سفر داشت حسین  
از بهر سرودن یکی قطعه سرخ

بوی معطر که به مشام می رسد، عالم رنگ و بوی می گیرد. قلب ها تندتر می تپد. پیرچم  
خبر شده؟ چه شوری در دهان این مردم است؟  
همان کسی که تا دیروز از کنار همه ی باور ها خنده کنان می گذشت، حال گوشه ی هیئت  
نشسته و حین شده...  
ملک کیست حسین (ع)؟ چه کرده ملک او؟  
و چه زیبا گفته دکتر شریعتی که: «وقتی حسین (ع) فریاد می زند: جل من ناصر اینصری؛ ملک  
نمیداند کسی نیست تا او را یاری دهد؟... این سوال حسین (ع) از تاریخ فردای بشر و از  
همه ی ماست»  
ای حسین: اگر چه در آن نینوا، نای حقیقت گوی تو را بریدند، اما نوای حق حق تو  
در تاریخ همچنان ماندگار شد و جاودانه ماند...

دستان خوبم: سلام.  
این چهارمین شماره از نشریه دانشکده است که پس از تلاش و زحمات فراوان همه ی  
دست اندر کاران، هم اکنون در دستان مبارک شماست.  
از شما چه پنهان؛ در این شماره از همان اول کار سختی در پیش داشتیم. چرا که در آغاز به  
امتحانات خرداد خورده ایم و بعد هم شروع تابستان و تعطیلی دانشگاه و شروع ماه مبارک رمضان...  
که خدا را شکر سرانجام این شماره هم چاپ شد و باری از روی روش ما برداشته شد.  
اما جا دارد تشکر ویژه ای داشته باشیم از دانشجویان ورودی ۹۲ که هیچگونه میل و رغبتی به  
همکاری با ما نداشتند و آثار این داستان هم حالا حالا ها ادامه دارد...  
البته باید بگوییم به کمک تک تک شما خوانندگان دوست داشتنی این نشریه نیازمندیم تا این  
نشریه بهتر و بهتر شود.  
دست آخر هم از همه ی بنرگواران و مهربانانی که حتی با خواندن این نشریه باعث دلگرمی  
ما هستند سپاسگزاریم.

پاییزتان بهاری  
محمد مقیمی راد





# ملاقات خدا با بنده

حمیدرضا اطهری نیا

دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۱

خدا: بنده کی من نماز شب بخوان و آن ۱۱ رکعت است.

بنده: خدایا من خسته ام نمیتوانم.

خدا: بنده کی من ۲ رکعت نماز شفع بخوان و ۱ رکعت نماز وتر.

بنده: خدایا برایم مشکل است نیمه شب بیدار شوم.

خدا: بنده کی من قبل از خواب این ۳ رکعت را بخوان.

بنده: خدایا ۳ رکعت زیاد است.

خدا: بنده کی من فقط ۱ رکعت نماز وتر بخوان.

بنده: خدایا امروز خیلی خسته ام راه دیر کی ندارم؟

خدا: قبل از خواب وضو بگیر و رو به آسمان کن و بگو یا الله.

بنده: خدایا من در رختخواب هستم اگر بلند شوم خواب از سرم میپرد.

خدا: همانجا که دراز کشیده ای تیمم کن بگو یا الله.

بنده: خدایا هوا سرد است! نمیتوانم دستانم را از زیر پتو در بیاورم.

خدا: بنده کی من در دلت بگو یا الله ما نماز شب برایت حایب میکنیم

بنده اعتنائی نمی کند و می خوابد !!!

خدا: ملائکه من! ببینید آفتاب سارده گرفتیم اما او خوابیده است.

خدا: چیزی که به اذان صبح نمانده او را بیدار کنید دلم برایش تنگ شده است امشب با من حرف نزن.

ملائکه: خداوند! ۲ بار او را بیدار کردیم اما باز خوابید.

خدا: در گوشش بگویند خدا منتظر توست.

ملائکه: باز هم بیدار نمی شود.

خدا: اذان صبح را میگویند هفتام طلوع آفتاب است. ای بنده کی من بیدار شو نماز صبحت قضا میشود.

ملائکه: خداوند! نمیخواهی با او قهر کنی؟

خدا: او جز من کی را ندارد.... شاید توبه کرد.

بنده من هفتامی که به نماز می ایستی من آنچنان گوش فرا میدهم که انگار همین یک بنده را دارم و تو چنان غافل

که گوی صد ها خدا داری !!!

# ۱۳ آبان

## نماد استکبار ستیزی و بصیرت دانشجوی

بهترین گواه بر این مدعاست. این اقدام باعث رسوایی چهره و اهداف لیبرال ها شد و انقلاب اسلامی که می رفت به دست آنان مسخ شود و زمینه حضور دوباره آمریکا در ایران فراهم آید، نجات یافت و حاکمیت جناح انقلابی و پیرو خط امام در کشور تقویت شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن، در بی سابقه ترین شکل ممکن وحدت ملی متجلی شد و تمام اقشار مردم یکپارچه به حمایت از این اقدام برخاستند و دوباره شور انقلاب در سطوح مختلف احیا شد. نقشه ها و طرح های سری آمریکا در ایران و جهان برای حفظ آنها سرمایه گذاری زیادی شده بود افشا گردید، مجهزترین مرکز توطئه علیه نظام و انقلاب برچیده شد، به مبارزین مسلمان در کشورهای دیگر و نهضت های آزادی بخش ثابت شد که می توانند با حرکت های ابتکاری مورد حمایت ملت، رودرروی آمریکا بایستند و منافع نامشروع آن را در سطح جهان به خطر اندازند. در پهنه جهانی ثابت کرد که ایران بر سر اصول و آرمان هایش ثابت قدم ایستاده و به حق پرچمدار نهضت های ضد استعماری است قاطعیت رهبری امام در مبارزه اش با شرق و غرب بر جهانیان بیش از پیش روشن شد.

در انقلاب اسلامی ایران حوادث گوناگون بسیاری رخ داده است اما آنچه بالاتر از همه از سوی امام راحل «انقلاب دوم» لقب گرفت، تسخیر سفارت آمریکا در ایران بود. به تعبیر دیگر می توان گفت که با پیروزی انقلاب اسلامی استبداد داخلی و با تسخیر سفارت آمریکا استعمار از ایران ریشه کن شد.

گروه هایی که از این واقعه ضربه خورده اند طی این سالها، تلاش کرده اند تا حقایق را به گونه ای دیگر جلوه دهند. خصوصا با تغییر مواضع سیاسی تعدادی از تسخیر کنندگان سفارت آمریکا، شبهاتی درباره مشروعیت این اقدام ایجاد شد. بالا رفتن از دیوار سفارت آمریکا که برابر اسناد منتشره به عنوان لانه جاسوسی خوانده شد به دلیل اعتراض دانشجویان به استمرار دخالت آمریکا در امور داخلی ایران عدم تحویل شاه فراری و تلاش سازمان یافته برای سرنگونی انقلاب نوپای ایران صورت گرفت.

از مهمترین دستاوردهای داخلی و خارجی انقلاب دوم، شکست ابهت دیرینه قدرت افسانه ای آمریکا بود. حقیقت این است که بعد از جنگ ویتنام، آمریکا در هیچ صحنه ای به اندازه این اقدام انقلابی فرزندان امام، به رسوایی و ضعف و زبونی کشیده نشد. اعترافات مسئولین آمریکا

## مراه‌های مقابلۀ با تهاجم فرهنگی از نظر مقام معظم رهبری

حمیدرضا اطهری نیا / دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۱

### تقوا

اگر می‌بینید که مسأله‌ی تهاجم فرهنگی یا شبیخون فرهنگی یا قتل عام فرهنگی در این کشور به‌شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود؛ به این سبب است: دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الا المتقین». متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آن‌ها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند.

### عبادات

ما عبادات فردی، عبادات اجتماعی و عبادات سیاسی داریم. عبادات ناب و خالص داریم که مربوط به نیمه‌شبهاست، مال هنگام دعا و مناجات و هنگام سخن گفتن با خدا و تضرع است. هر کدام از این‌ها یک درجه است. هر کدام از این‌ها، شما را مثل پولاد آبدیده محکم می‌کند؛ این جوانان را مستحکم می‌کند؛ آن‌ها را خلل‌ناپذیر و در مقابل نفوذ شیطان، نفوذ دشمن، نفوذ عوامل فساد و در مقابل تهاجم فرهنگی، آسیب‌ناپذیر می‌کند.

### تحکیم فکری و عملی ارزش‌های انقلاب

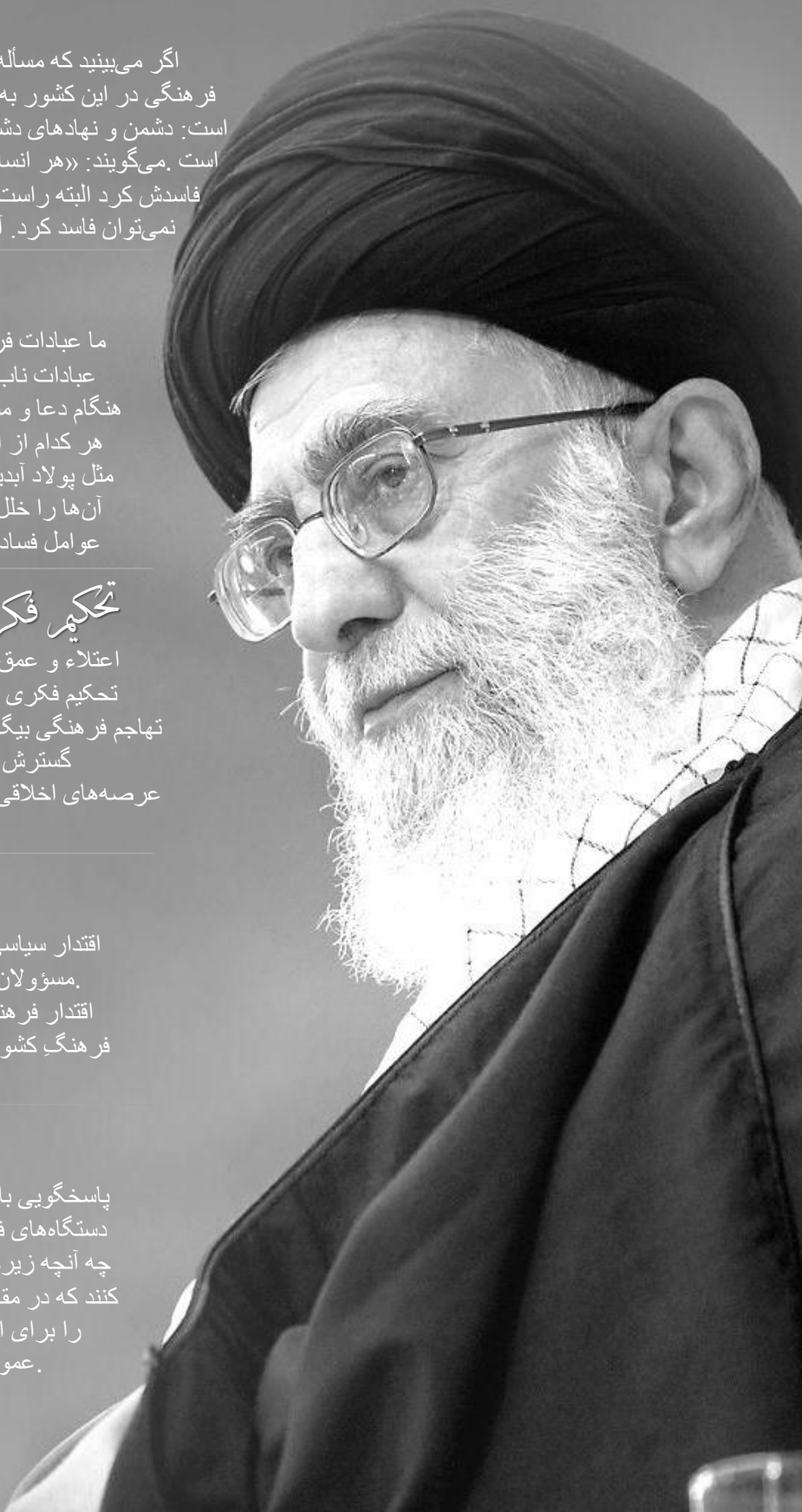
اعتلاء و عمق‌بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، و تحکیم فکری و عملی ارزش‌های انقلاب اسلامی، و مقابله‌ی با تهاجم فرهنگی بیگانه. راه مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه‌ی استکبار، گسترش و تعمیق رسالت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه‌های اخلاقی، رفتارهای فردی و اجتماعی، عقاید و باورهای دینی و مسائل سیاسی است.

### اقتدار فرهنگی

اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسؤولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است. اقتدار فرهنگی هم همین‌طور است؛ یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود.

### پاسخگویی

پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه وجود داشته باشد. باید دستگاه‌های فرهنگی کشور - چه آنچه مربوط به دولت است، چه آنچه زیرمجموعه دولت نیست، مثل صدا و سیما - روشن کنند که در مقابل تهاجم گسترده‌ی فرهنگی دشمنان چه تدابیری را برای اعتلا و بارور کردن فرهنگ اسلامی و انقلابی و عمومیت بخشیدن به نقاط برجسته‌ی آن به‌کار بسته‌اند.



# بشناس!

## امام زمانت را



يُزَكِّهِمْ» (آل عمران، آیه ۷۷) آنگاه تشریفی را نسبت به عده ای اعمال نمی کند. اگر ما واقعا در مسیر صحیح حرکت کنیم، حضرت ما را می بیند، و دیدن و نظر تشریفی ایشان برای ما شرف است و گرنه دیدن فیزیکی خیلی کارساز نیست. همچنان که خیلی ها پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س) را می دیدند، ولی بصیرت نداشتند. دیدن های تشریفی مهم است، نه نگاه صوری، البته گاهی همان نگاه صوری هم پدید می آید و انسان وجود حضرت را از نزدیک زیارت می کند و فیضی می برد و مشکل او هم به برکت حضرت از ذات اقدس اله حل می شود. اما مهم همان دیدن از روی بصیرت است.

یک شناخت تاریخی داریم و یک شناخت واقعی که مهم تر از اولی است. عمده آن است که ما حضرت را حقیقتا بشناسیم و حضرت ما را ببیند نه ما حضرت را ببینیم. در زمان پیامبر (ص) (که مقامش بالاتر از همه ائمه است) کم نبودند کسانی که وجود مبارک حضرت را می دیدند، اما خدای سبحان درباره آنها در قرآن فرمود: «وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (اعراف، آیه ۱۹۸) آنها را می بینی که به تو نگاه می کنند ولی تورا نمی بینند، اهل نظرند ولی اهل بصیرت نیستند. اگر ماسعی کنیم وجود مبارک امام زمان (عج) ما را ببیند، هنر است.

در قرآن کریم آمده است: خدا که به کل شیء بصیر است روز قیامت به یک عده نگاه نمی کند، «وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا



# كُذِّبَ الْوَقَاتُونُ!

رضا قدسی بجدنی

دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۲

احدی نمی تواند زمانی برای ظهور تعیین کند. مفضل بن عمر گوید: از مولایم امام صادق (ع) پرسیدم: «آیا ظهور حضرت مهدی (ع) وقت معینی دارد که مردم آن را بدانند؟» فرمودند: «این چنین نیست که خداوند برای آن وقتی تعیین کرده باشد که شیعیان ما آن را بدانند. ای مفضل، برای آن وقتی تعیین نمی کنم. وقتی هم نمی شود برای آن معین کرد. آن که برای ظهور ما وقتی تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و مدعی شده که از اسرار خداوند آگاه گشته است.»

فضیل از امام باقر (ع) پرسید: «هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كذب الوقاتون، كذب الوقاتون، كذب الوقاتون.»

«آیا برای این امر وقتی معین است؟ آن حضرت سه مرتبه فرمود: «آنان که وقتی برای آن تعیین می کنند، دروغ می گویند.»

ابی بصیر گوید: «از امام صادق (ع) درباره امام زمان (ع) پرسیدم. فرمود: كذب الوقاتون، انا اهل بیت لانوقت، ثم قال: ابي الله الا ان يخلق وقت الموقنين.» آنان که وقتی برای آن تعیین می کنند، دروغ می گویند. ما اهل بیت، زمانی برای آن تعیین نمی کنیم. آن گاه فرمود: خداوند چنین اراده کرده است که با هر وقتی که تعیین کنند، حتما مخالفت نماید و ظهور را در وقت آن قرار ندهد.» در روایت دیگر فرموده اند:

«آن که برای آن وقتی تعیین کند دروغ گفته است... ما در گذشته وقتی تعیین نکرده ایم و در آینده نیز هرگز وقتی برای آن تعیین نخواهیم کرد.»

در برخی روایات، علت عدم تعیین وقت، چنین بیان شده است: امام جواد (ع) فرمودند: «اگر برای این امر وقتی تعیین شود دل ها را قساوت می گیرد و توده مردم از اسلام بر می گردند. بگویید: چه زود است! چقدر نزدیک است! تا دل مردم آرام گیرد و فرج نزدیک شود.»

## پیامدهای تعیین وقت ظهور

این عمل - جدای از این که ادعایی است بی دلیل و دروغی است آشکار؛ چرا که اهل بیت فرموده اند: کسی از زمان آن آگاه نیست. - پیامدهای متفاوتی دارد که مهمترین آنها عبارت است از:

۱. ایجاد یأس و ناامیدی به سبب عدم تحقق ظهور در وقت تعیین شده

۲. ایجاد بدبینی نسبت به اصل ظهور

۳. ایجاد بدبینی به شخصیت امام در اثر عدم تحقق ظهور

۴. قساوت قلب ها

۵. برگشتن مردم سست ایمان از دین

# صدای بال ملائک

## یک کتاب یک نگاه

صدای بال ملائک، سروده جواد جعفری نسب (آینه) استاد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه فرهنگیان - دانشکده علامه طباطبائی سبزوار

مجموعه شعر آیینی «صدای بال ملائک» گزیده شعرهای سال های ۸۰ تا ۹۰، سروده ی استاد جواد جعفری نسب (آینه) می باشد که با هم مقدمه این کتاب و شعری عاشورایی که به قلم استاد نگاشته و سروده شده است را می خوانیم :

شعری که فضیلت را ستایش و رذیلت را نکوهش کند شعر آیینی است، چرا که آیین ها پیامی جز این ندارند. عبارت «شعر آیینی» که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر سر زبان ها افتاد، دایره ای گسترده تر از محدوده ی شعر مذهبی به تصور پیشینیان را شامل می شود.

به عبارت دیگر هر شعری که موضوع و موضع مذهبی داشته باشد، شعر آیینی است. بنابر این همه ی ستایش ها و نیایش های عارفانه و اشعار ولایی و اخلاقی و حتی سروده هایی که در حوزه ادبیات پایداری و در موضوع مبارزه علیه ستمگران سروده می شود و به دفاع از مظلومان بر می خیزد شعر آیینی است.

این تعبیر در کلام مقام معظم رهبری به روشنی جلوه کرده است: «شعر انقلاب باید در خدمت مفاهیم انقلاب باشد. شعر های مذهبی و شعر های مربوط به ائمه را به اصطلاحی که حالا باب شده تعبیر می کنند به شعر آیینی... اشعار مربوط به جنگ و دوره دفاع مقدس یا مربوط به شهدا، جانبازان... اینها خیلی خوب است. لیکن اهداف و آرمان های انقلاب منحصر به این ها نیست...»

ناب ترین لحظه های شاعرانگی را شاعرانی درک کرده اند که از صمیم دل برای ائمه اطهار (ع) شعر گفته اند و هنر خود را به خدمت اهداف و آرمان های معصومین (ع) در آورده اند. سیره هوشمندانه معصومین (ع) در برخورد با شاعران متعهد نشانه توجه عمیق آن بزرگواران به تاثیر شعر در تبلیغ آموزه های دینی است. چنانکه به بیان های مختلف شاعران را به سرودن اشعار درباره ی خودشان تشویق کرده اند و سرودن اشعار درباره ائمه اطهار (ع) در حقیقت به معنی ستودن فضایل و مکارم اخلاقی است، چرا که آنان، آینه تمام نمای فضایل و مکارم اخلاقی اند.

امام صادق (ع):

من قال فینا بیت شعر بنی الله تعالی له بیتا فی الجنة

(میزان الحکمه ج ۱ ص ۵۳۶)

هر کس درباره ی ما یک بیت شعر بگوید  
خداوند متعال در بهشت خانه ای برایش می سازد.

### کربلا گلشن سبزی ست...

سر افتاده جدا از بدنش، خون آلود  
یوسفی بود که شد پیرهنش خون آلود  
ورنه یکپارچه می شد کفنش خون آلود  
در هواداری دین، پر زدنش خون آلود  
این بهار آمده از ره چمنش، خون آلود  
لاله و سوسن و سرو و سمنش خون آلود  
که شود مثل شقایق، دهنش خون آلود

گشته از رویش صد لاله تنش خون آلود  
گرگ ها کرده پی غارت او دندان تیز  
کفنی بر تن صد پاره به جز خاک نداشت  
سومین هدهد گلزار هدایت که شده ست  
غیر ماتم ز محرم چه توقع داری  
کربلا گلشن سبزی ست ولی می روید  
حرف عاشق به دل خلق نشیند روزی



جواد جعفری نسب  
استاد دانشکده علامه طباطبائی  
سبزوار

# فجایع جانسوز کربلا

عباسعلی رادمان

مدرس دانشگاه فرهنگیان - دانشکده علامه طباطبائی سبزوار

■ در ماه های حرام جنگ ابتدایی نباید صورت بگیرد اما سیه دلان اموی علیه نوادگان پیامبر (ص) در همین ماه حرام جنگ را آغاز نمودند.

■ از جمله مقررات جنگ این است که حمله و هجوم ناگهانی صورت نگیرد ولی سپاه بنی امیه در این جنگ نابرابر، نابهنگام حمله ور شدند و نقشه آنان هجوم به خیام بود که با تدبیر حضرت سیدالشهداء (ع) به خواسته شان نائل نشدند ولی در برابر هر کدام از یاران امام حسین (ع) که دلیرانه به میدان می رفت به طور جمعی هجوم می آوردند و او را محاصره می کردند و به سخت ترین وجه به شهادت می رساندند.

■ از شرایط جنگ یکی این است که بدن مثله یعنی قطعه قطعه نشود لکن در میان شقاوت پیشگان اموی سر مبارک حسین (ع) را جدا کردند و به طمع انگشتر، انگشت او را قطع کردند.

■ از شرایط جنگ مردانه این است که زنان را پس از مرگ مردانشان از کنار کشته آنان عبور ندهند ولی سنگ دلان عرصه کربلا، عترت پیامبر (ص)، زنان و حتی بچه ها را از کنار شوهران و پدرانیشان عبور دادند و حتی آنها را در آن مکان نگه داشتند تا داغشان تازه شود.

■ در جنگ هایی که بویی از جوانمردی در آنها به مشام می خورد رسم بر این بود که زنان و دختران شاهان و افراد سرشناس در معرض دید مردم قرار نگیرند و به کوچه و بازار نبرند و در معرض خرید و فروش واقع نشوند، ولی سفاکان سنگدل، فرزندان خاندان وحی و زن و بچه امیرالمؤمنین (ع) را که سالها حاکم کوفه و جهان اسلام بود را به کوچه و بازار آوردند!

«اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين، و شایعت و بايعت و تابعت علی قتله.»

یکی از دلایل ماندگاری کربلا نوع فاجعه ای بود که در کربلا به وقوع پیوست. اگر زشتی ها، جنایت ها و نامردیها در جنگ ها اتفاق می افتد؛ زشت ترین نوع آن و فجیع ترین شکل آن در عاشورای ۶۱ هجری در کربلا رخ داد و پایه و اساس آن جنایات از آنجا ناشی شد که مردم کوفه از یک طرف خود دعوت کننده ی امام حسین (ع) به کوفه بودند و حکومت بنی امیه را نفی می کردند و از سوی دیگر برای جنگ با میهمان خود، ساز و برگ نظامی بستند و امام و یارانش را محصور کردند، آب راه ها را بستند و اجازه ندادند که به خیام اهل بیت پیامبر (ص) آب برسد و خاندان رسالت از اولین و ساده ترین حقوق انسانی خویش بهره گیرند! مصائب کربلا با جنگ های دیگر خیلی متفاوت است، از جنس دیگری است. ساختار مصیبت، حاشیه ها و متن آن همه متفاوت است.

در تمام زمانها و در تمام جنگ ها حتی در بدوی ترین قبیله ها که بویی از تمدن و فرهنگ و علم نبرده بودند جنگ و نبرد دارای قواعدی مخصوص به خود بوده است و جنگجویان مقید به قواعد جنگی بوده اند اما در پیکار نابرابر کربلا هیچ یک از قواعد جنگی و حقوق انسانی از سوی سیه رویان شقاوت پیشه سپاه اموی رعایت نگردید که در ذیل به برخی از موارد نقض حقوق انسانی و مقررات جنگی در فاجعه ی خونبار عاشورا اشاره می گردد:

■ در اسلام آمده است که حتی در جنگ با کفار، زنان و بچه ها را نکشند، ولی سنگ دلان اموی کودک شیرخواره حسین (ع) را هدف تیر خویش قرار دادند.

■ در جنگ حتی با کفار، به خانه و مزارع نباید یورش برد. لکن سفاکان بنی امیه، خیام حرم که منطقه مسکونی زنان و بچه ها بود را به آتش

کشیدند.

زندگی نامه شهید

## رحمۃ اللہ تعالیٰ



**شهید رحمت الله جغتایی**، در تاریخ چهارم خردادماه سال ۴۳ در جغتای سبزوار در خانواده‌ی متدین به دنیا آمد. دوران کودکی را در دامان پدر و مادری دلسوز و مهربان سپری کرد؛ از همان کودکی در خانواده‌ای بزرگ شد که از پشتکار فراوان برخوردار بودند، او با افراد خانواده بسیار مهربان بود و احترام خاصی نسبت به آن‌ها می‌گذاشت.

شهید رحمت الله دوران ابتدایی را در روستای جغتای سپری کرد و از همان دوران از شاگردان ممتاز کلاس بود و معلمان نیز از وی راضی بودند، پس از سپری کردن دوران ابتدایی وارد مقطع راهنمایی شد و دوران نوجوانی خویش را نیز به تحصیل مشغول بود، سال سوم راهنمایی به علت نبود دبیرستان مجبور به ترک دیار خویش و رفتن به سبزوار شد و در دبیرستان اسدآبادی دوره‌ی متوسطه‌ی خود را گذراند و موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. پس از اینکه مدرک خود را در رشته‌ی اقتصاد به پایان رسانید در آذر ماه سال ۱۳۶۱ به خدمت سربازی اعزام گردید و پس از اتمام دوران سربازی در سال ۱۳۶۳ در آموزش و پرورش به عنوان معلم حق التدریس ثبت نام و مشغول به تدریس شد.

وی به خاطر علاقه‌ای که به ادامه تحصیل داشت در ازمون تربیت معلم شرکت نمود و پس از قبولی در سال ۱۳۶۳ برای ادامه تحصیل در مرکز علامه طباطبائی سبزوار مشغول به تحصیل شد.

در مورخه ۱۳۶۶/۹/۹ به منظور یاری رساندن به دیگر برادران رزمنده در قالب سپاهیان حضرت محمد(ص) عازم صحنه‌های نبرد گردید و در دانشگاه خودسازی از بزرگ معلم و سردار شهید اسلام حضرت اباعبدالله الحسین(ع) درس شهادت را اموخت و قبل از حضور در کلاس درس با خون خود پیام انقلاب را به جهانیان اعلام و در مورخه ۱۳۶۶/۱۰/۱۵ در جزیره‌ی مجنون شربت شهادت نوشید.

## دل نوشته‌ها:

وطن ای مظلوم سربلند و توانا، وقتی که گرگ‌های گرسنه از شرق و غرب با پوزه‌های چرکین به سوی تو حمله ور شدند، وقتی که گرازهای وحشی با بوی تنت دندان تیز کردند و لاشخوران دیگر را به یاری طلبیدند، تنها فرزندان بی نام و نشان تو چون شیر غریزند و از تو پاسداری کردند. ای وطن، دشمن به نخل هایت هم رحم نکرد و رودخانه و حتی ماهیان را هم نشانه گرفت. وقتی عروسک‌های شکسته را در کنار گهواره‌های به خون الوده در خرابه شهر هایت دیدم؛

من زخم هایت را با مخملی از دعا‌های شبانه فرزندانم مرهم می‌نهم و بر پیشانی تو دستمالی می‌بندم که بر پیشانی سلحشوران جبهه‌های دفاع بسته می‌شود. من زخم دشنه دشمنانت را که بر گرده داری مرهمی از بال کبوتران بهشتی خواهم بخشید و از گلبرگ‌های لاله‌ها و شقایق‌ها برای التیام آن مدد خواهم خواست.

بار پروردگارا، ای پناه بی پناهان، در میان هیاهو و عصیان گری قومی ویرانگر به تو پناه می‌برم. ای تنها پناهنده، انگاه که صدای زوزه‌ی خمپاره‌ها، سکوت با تو بودم را می‌شکند، آن گاه که از زمین و آسمان تحفه‌هایی این چنینی می‌بارد، آن گاه که به تو پناه می‌برم، و تنها به تو...



# سعادت



را از آنان دور کرده است. خداوند کریم، اهل بیت مرا در میان اتمم همانند کشتی نوح قرار داده است که نجات و رستگاری در آن است. پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار: جوانی را قبل از پیری، سلامتی را قبل از بیماری، ثروت را قبل از تهی دستی، آسایش را قبل از گرفتاری و زندگی را قبل از مرگ.

ای ابوذر! بر عمر خویش بیشتر مراقب باش، تا بر حفظ مال و دارایی.

بر حذر باش که مرگ به هنگام غفلت، تو را نگیرد که دیگر راه برگشت به دنیا و جبران فرصت از دست داده را نخواهی داشت.

وارثانت بر اموالی که نهاده ای، تو را مدح نگویند و خداوند اشتباهاتت را نپذیرد.

ای ابوذر! بدترین مردم در قیامت آن عالمی است که از علمش بهره نگیرد و هر کس علم را برای خاطر مردم طلب نماید، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

اگر چیزی از تو بپرسند و نمی دانی، صادقانه بگو: نمی دانم، تا آسوده باشی؛ و به آن چه که نمی دانی نظر و فتوا مده، تا از عذاب قیامت رهایی یابی.

روزی حضرت محمد(ص) به همراه حضرت علی(ع) در مسجد کنار یکدیگر نشسته بودند که ابوذر به نزد آنها رفت و گفت: یا محمد! مرا وصیتی سودمند فرما. حضرت پاسخ دادند: من اکنون به تو تذکراتی می دهم، نگهبان آنها باش، چرا که همه ی راه های خیر و سعادت در این سفارشات است. ابوذر اشک شوق در چشمانش جاری شد و مشتاق شنیدن این مرواریدهای گران بها گردید:

خدا را چنان پرستش کن که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند.

قدم اول عبادت و بندگی خدا، شناسایی اوست. او آفریننده ی آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست می باشد. او خداوند لطیف و خبیر است و بر همه ی کارها قادر و تواناست.

بعد از ایمان به خدای یکتا، اقرار داشته باش به این که خدا مرا آخرین پیامبر خود قرار داده است تا مردم را به سوی حق دعوت کنم و چراغی نور بخش باشم.

بعد از من اهل بیتم را دوست بدارید که خداوند قادر، هر نوع آلودگی و لغزش و اشتباه

# مولف‌های سبک زندگی که اسلام

(بر اساس خطبه متقین نهج البلاغه)

علی امینی زاده

دانشجوی دکتری و مدرس دانشگاه فرهنگیان - دانشکده علامه طباطبائی سبزوار

کرد.

ویژگی‌هایی مانند فروتنی در برابر مردم (یکی از جلوه‌های آن مشورت و نظر خواهی است)، اجتناب از حرام، شکیبایی، پاکدامنی، دوری از دنیا، عفت، عدالت و حکمت، می‌تواند الگوی مناسبی برای مردم باشد به شرط اینکه در وجود انسان‌ها نهادینه شده و به منصفی بروز و ظهور برسد. صحبت کردن با تفکر و تعمق در بسیاری از زمینه‌های زندگی حتی اقتصاد راه‌گشا ست، ضمن اینکه اهتمام به علوم سودمند باعث بی‌نیازی بشر از دیگران شده و نتیجه آن این است که هیچ فرد یا کشوری نمی‌تواند بجای او تصمیم بگیرد. و بالاخره صبر بر مشکلات و امتحانات زندگی، می‌تواند انسان متعادلی تربیت کند و این امر میسر نیست جز به تقوای الهی، زیرا شیوه کلی زیست اسلامی، حفظ تعادل و سیر در مسیر اعتدال است.

سبک زندگی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نوع نگاه و تفکر و شیوه رفتاری در هر چیزی است. رسیدن به سبک زندگی مطلوب بر اساس نگاه و تفکر اسلام در گرو دانستن شاخص‌های زندگی اسلامی است و شرط تحقق الگوی اسلامی، تربیت عقلانی و هماهنگی با دیگر ساحت‌های تربیتی همچون تربیت اخلاقی در زمینه‌های فردی و اجتماعی است.

در پاسخ به این پرسش که شاخص‌های زندگی اسلامی کدامند؟ می‌توان در منابع ارزشمند اسلام از جمله نهج البلاغه جستجو کرد. یکی از بهترین الگوها در بحث سبک زندگی اسلامی، «خطبه‌ی متقین» است. در این خطبه، امام علی (ع) به ویژگی‌های یک انسان پرهیزگار اشاره دارد که مستقیماً به سبک زندگی فردی و اجتماعی انسانها ارتباط پیدا می‌کند. این صفات را می‌توان به عنوان مهمترین مولفه‌های سبک زندگی در نهج البلاغه بیان



# سید عبدالاعلی سبزواری



آیت الله العظمی سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، فقیه و مفسر و قرآن پژوه بزرگ جهان تشیع و از مفاخر علمی و برجسته اسلام در دوره معاصر، در ۱۸ ذی حجه ۱۳۲۹ هـ ق در سبزوار دیده به جهان گشود. مقدمات ادبیات عرب و فقه و اصول را از پدرش مرحوم آقا سید علیرضا موسوی و آیت الله سید عبدالله برهان (متوفی ۱۳۸۴ هـ ق) فراگرفت. در سال ۱۳۴۲ هـ ق به مشهد مقدس رفت و از محضر بزرگان آنجا بهره برد. به نجف اشرف رفت و در درس مدرسان این شهر شرکت نمود و از آنان اجازه اجتهاد کسب کرد. در حالی که ۳۶ سال داشت، در سال ۱۳۶۵ هـ ق عهده دار تدریس خارج فقه و اصول شد و به تربیت شاگردان و دانشوران پرداخت. بعد از رحلت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، حدود یک سال مدیریت حوزه علمیه نجف اشرف برعهده آن بزرگوار بود.

سرانجام در روز ۲۵ مرداد ۱۳۷۲ شمسی برابر با شب رحلت رسول خدا (ص) در نجف اشرف در گذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. از آثار و تألیفاتش می توان به کتاب های زیر اشاره کرد: «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن» که تاکنون ۱۴ جلد آن چاپ شده است، «مذهب الاحکام» در فقه امامی در ۳۰ جلد، «تهذیب الاصول» در دو جلد، «لباب المعارف»، «منهاج الصالحین» در علم فقه و حاشیه بر بسیاری از کتاب های فقهی شیعه.

# استاد احمد کرایی

زندگی نامه خود نوشته دکتر احمد کرایی، اولین رئیس تربیت معلم علامه طباطبائی سبزوار  
استاد دانشگاه، حافظ و مفسر قرآن و نهج البلاغه

کاشمیری بودند. در سال ۱۳۳۰ به دبیرستان اسرار برای ادامه تحصیل رفتم.

پس از دوره دبیرستان، با کار در تابستان و تحصیل در زمستان روزگار می گذراندم تا این که نوبت کنکور رسید. در سال ۱۳۳۷ من که در سرکوره های آجریزی کار می کردم و روزی پنجاه ریال می گرفتم، بی خبر از زمان کنکور؛ یک روز که از سرکار می آمدم، آقای هلاک آبادی را که اکنون فامیل خود را عوض کرده اند دیدم؛ او به من گفت آیا در کنکور ثبت نام کرده ای؟ گفتم نه. گفت ثبت نام در دانشگاه تهران تمام شد. زود به مشهد برو و ثبت نام کن. حدود پنجاه تومان برداشتم و با یک چمدان و یک لحاف سبک، به مشهد رفتم و چون خیابان ها را از قبل می شناختم به باغ ملی رفتم و از خستگی روی علف ها خوابیدم. یک باره دیدم کسی لگد به پای من می زد. برخاستم دیدم برادر مرحوم منوچهر رهبری (مرد شریف) است که خدا

کرد که از شش سالگی نماز بخوانم.

هفت ساله که شدم، کتاب های طریق البکاء و انیس العهد و اشعار جوهری را یاد گرفتم و با وجود کمی سن مرا بر منبری می نشاندند تا روضه بخوانم.

در نه سالگی به مدرسه ی مولوی کراب که از اولین مدارس شهرستان سبزوار بود، رفتم و چون کتاب های اول تا چهارم را می دانستم، در کلاس پنجم نشستم و کمی حساب یاد گرفتم.

در سال ۱۳۲۸ مادرم به ناچار من و خواهرم را برداشت و به سبزوار آورد تا هم از فقرمان کاسته شود و هم من درس بخوانم. به مدرسه امیر کبیر می رفتم در کلاس ششم آقای ممتحنی (حمید) و آقای استیری- خدارحمتش کند- و آقای شفق معلم ما بودند. از همکلاسی های مرحوم دکتر جعفر مؤید، جناب آقای دکتر سعید امیری، آقای محمدرضا شاهرخ و مرحوم ایرج کاشمیری پسرخاج ملا محمد

اگرچه به قول مرحوم بهلول، از شب تولدم یادم نمی آید اما آن قدر می دانم که چنان مبارک قدم بوده ام که در اواسط شب هشتم آبان ۱۳۱۷ در روستای کراب من به دنیا آمده ام و سحرگاه آن شب جد مادریم سید احمد (رحمه اله علیه) درگذشته است.

از پدرم تنها به خاطر دارم که حدود سه ساله بودم که پرنده ایی برآیم گرفته و آورده بود.

من و خواهرم را مادرم که سیده ای پاک و نمازخوان و مقید به انجام فرایض دینی بود - بزرگ کرد به گونه ای سخت که هنوز یادم می آید مرا که حدود چهار سال داشتم، بغل گرفته بود و به خاطر این که گریه نکنم، به خانه های همسایه سر می زد، تا یکی دو دانه نان به قرض بگیرد و مرا از گرسنگی رهایی دهد. پنج ساله یا کمی بزرگتر شدم که او مرا به مکتب جناب آقا فرستاد و خداوند این اولین معلم را که سیدی ساده و بی آرایش بود بیامرز.

شش ساله که شدم قرآن را می توانستم بخوانم. مادرم مرا امر



سازد! و از دوستانم الطاف بسیاری دیده ام که تا انسان این لذات را نچشد نمی فهمد(من لم یذق لم یدر)

سالها رییس تربیت معلم بودم خدا می داند که در آن سالهای جنگ چه قدر شاد می شدم وقتی می دیدم دانشجویان مصرانه رفتن به جبهه را درخواست می کنند و حتی مرا هم برای چند روز به جبهه کشیدند. روزی امام جمعه سبزوار به من گفت امشب برای دیدن فیلمی از جبهه همراه بچه ها به خانه ی ما بیا و من همه ی دانشجویان تربیت معلم را بردم. وقتی امام جمعه آن ها را دید، متعجب شد و گفت منظور من زن و بچه ها بوده است و من دانشجویان را برده بودم.

اکنون هم به عنوان استاد دانشگاه، تدریس می کنم و این ها همه را از لطف حق می بینم و این حدیث شامل حالم شود که در قیامت خداوند بفرماید: «اقرأ و ارقا» چون حافظ قرآن این مزیت را دارد که مشمولان حدیث گردد.

گفتم من که وارد دانشگاه شدم؛ بعد هم در زمره دوازده هزار و پانصدمین نفر که ثبت نام کرده بودند، نامم را نوشتند.

دانشسرای عالی را در سال چهل به پایان رساندم. استادانم که خدا رحمتشان کند! فروزانفر، دکتر صفا، سعید نفیسی، دکتر خطیبی، دکتر تویسرکانی، دکتر جلالی، دکتر علی محمد کاردان، دکتر سجادی، دکتر افشار و آقایان دکتر کیا، دکتر شاه حسینی... بودند.

به عنوان دبیر چون شاگرد اول دوره خود بودم که می توانستم شهرها را انتخاب کنم. خرمشهر را انتخاب کردم و به خاطر لطف مردم و دانش آموزانم تا سال ۱۳۵۷ ماندم از عنایات مرم آن شهر همین بس که هنوز دانش آموزان به درجات عالی تحصیل رسیده مرا از یاد نبرده اند و گاهی از تهران و خرمشهر برای دیدنم می آیند.

در سال ۵۷ به سبزوار آمدم و از استادانم مرحوم مروجی تا زنده بودند و آقای محفوظی که خداوند زندگی با عزتشان را طولانی

خدا او را رحمت کند.

گفت چرا به مشهد آمده ای؟ گفتم برای ثبت نام در کنکور. گفت حیف است که تو در مشهد درس بخوانی؛ به تهران برو. گفتم: ثبت نام تهران پایان یافته. گفت: برو پیش آقای دکتر سیاسی(مرحوم) که رییس دانشگاه است در خواست و التماس کن او شاید بپذیرد. برای اولین بار سوار قطار شدم و با سی و چند تومان پول به تهران رفتم. در قطار به مادرم نامه نوشتم که نگران نباشد. از قطار پیاده شدم و به مسافرخانه ای رفتم، برای خواب پانزده ریال دادم صبح هم وسایل را در دفتر مسافرخانه گذاشتم و جلو پله های زیرزمینی میدان سپه (میدان امام) آمدم، از زیاد مردم متعجب بودم که خدا چه قدر مخلوق دارد! یک باره کسی برپشت شانمه ام زد؛ دیدم آقای بیهقی است که در سبزوار باهم درس می خواندیم. گفتم بیا برویم تا برای کنکور ثبت نام کنیم. به محل ثبت نام رسیدم. دربان گفت ثبت نام برای ۲۷ و ۲۸ تیر تمدید شده است. به بیهقی



باز این پوچه و چه پوچه است

باز این پوچه و چه پوچه است



### تصویر اثر حجمی «عصر عاشورا»

پدیدآورندگان:

حامد دلقندی ، حسین رضایی ، علی اصغر فرهادی نژاد ، علیرضا رازقندی ، علیرضا زارعی مقدم

(از دانشجومعلمان کارشناسی ناپیوسته هنرهای تجسمی مرکز علامه طباطبائی سبزوار، ورودی سال ۸۸)

سال خلق اثر: محرم ۸۹ ش

# گفت و گویی با جناب آقای کاظم دلقدی

ریاست دانشکده علامه طباطبائی سبزوار

از مدت ها قبل در پی فرصتی برای گفت و گوی صمیمانه با آقای دلقدی بودیم تا بالاخره در یک روز پاییزی با هماهنگی های انجام شده خدمت ایشان رسیدیم. آقای دلقدی با روی باز و اشتیاق فراوان از ما استقبال کردند. ایشان فارغ التحصیل کارشناسی ارشد در رشته «تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت» از دانشگاه تهران واحد مرکزی هستند. قبل از عزیمت به سبزوار و بر عهده گرفتن مسئولیت ریاست دانشکده علامه طباطبائی در وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار بودند. ایشان از سال ۱۳۸۷ که مسئولیت دانشکده علامه طباطبائی سبزوار را بر عهده دارند منشاء خدمات زیادی در بخش های فرهنگی، علمی، تربیتی، آموزشی، رفاهی و توسعه ای دانشکده داشته اند که امید داریم این روند روبه رشد همچنان ادامه داشته باشد. متن مصاحبه ذیل حاصل گفت و گوهای صمیمانه ای است که توسط چند تن از دانشجوی معلمان تهیه شده است:

چه دانش آموزی و چه دانشجویی حتی یکبار از معلم و استادام طلب ارفاق نره داشته باشم و آنچه کسب کرده ام نتیجه تلاش خودم بوده است.

## ■ چه توصیه هایی برای ازدواج دانشجوی معلمان دارید؟

اولا، امیدوارم برای همه عزیزان دانشجو معلم زمینه ازدواج فراهم شود و تأکید بر انجام آن را دارم. ثانيا حتما در این امر مقدس به خدا توکل کنید و واقعا از خدا بخواهید که در انتخاب همسر مناسب و شایسته به شما کمک کند و دقت کنید که همسر شما هم کفو شما باشد و در زمینه های مختلف با شما سنخیت داشته باشد و البته توجه داشته باشید که همه خوبی ها در یک نفر جمع نمی گردد. و آنچه که شما را خوشبخت می کند زندگی است که همراه با تفاهم همراه باشد و ایجاد آرامش نماید، چرا که در سایه آرامش می توان فرزندان شایسته و موفق تربیت کرد.

## ■ آیا به شعر و ادب پارسی علاقه مندید؟

بله، بسیار علاقه مندم.

## ■ شعرهای کدام یک از شاعران ایرانی را دوست دارید؟ یک یا چند بیت از این شاعر برایمان بگویید.

اشعار حافظ، مولوی، سعدی و شهریار  
یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود  
روزی گلستان غم مخور  
ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن وین سر شوریده باز  
آید به سامان غم مخور  
حافظ

## ■ آیا فرصت خاصی برای تفریح و گردش می گذارید؟ به چه تفریحی علاقه دارید؟

بله، ورزش، مطالعه، تماشای فیلم و سریال و ....

## ■ از شما می خواهیم یک کتاب به دانشجوی معلمان معرفی بفرمایید.

کتاب حماسه حسینی اثر شهید مطهری و کتاب فاطمه فاطمه است، اثر دکتر علی شریعتی.

## ■ دانشگاه فرهنگیان را چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر من به لحاظ ویژگیهای خاص آن سرآمد است. البته نواقص و کاستی هایی نیز دارد که انشاءالله آن هم با همت و تلاش مسئولین و دانشجویان این دانشگاه مرتفع خواهد شد.

## ■ نظر شما در مورد تأثیر معلمان فارغ التحصیل از دانشگاه فرهنگیان، در ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه چیست؟

بسیار تأثیر گذار هستند، جامعه را آموزش و پرورش و آموزش و پرورش را دانشگاه فرهنگیان می سازد و بنده به این مسئله اعتقاد دارم..

## ■ جناب آقای دلقدی باسلام و تقدیر و تشکر از عنایت و وقتی که در اختیار ما قرار دادید در ابتدا اگر مطلبی دارید بفرمایید:

بسیار متشکرم از تلاش صادقانه و مسئولانه شما عزیزان دانشجو معلم عضو انجمن علمی پژوهشی که در انتشار نشریه «فرهنگ تربیت» فعالیت دارید.

امیدوارم در این امر خطیر و ارزشمند کماکان موفق باشید و بتوانید پل ارتباطی خوبی بین دانشجویان عزیز و مسئولان و مخاطبان باشید.

خوشبختانه نشریه «فرهنگ تربیت» نسبت به شماره های قبل از کیفیت بهتری برخوردار است و جامعیت بیشتری پیدا کرده و در حیطه های مختلف علمی، تربیتی، دینی، سیاسی، ادبی، طنز، اخبار و... رشد قابل توجه و شایانی داشته که از همه دست اندرکاران نشریه تشکر می کنم و امیدوارم این روند روبه رشد همچنان در غنی سازی فرهنگ تربیت استمرار داشته باشد. انشاءالله

## ■ رئیس مرکز علامه چگونه معلم شد؟

در سال ۱۳۶۵، زمان دفاع مقدس در جبهه نبرد در منطقه عملیاتی جنوب کشور و در شهر مقاوم دزفول بودم که پس از چند روز از اعلام نتایج کنکور سراسری طی تماس تلفنی که با خانواده داشتم به من خبردادند که در تربیت معلم (مشهد مقدس) پذیرفته شده ام؛ از فرمانده ام مرخصی گرفتم و جهت ثبت نام به مرکز تربیت معلم شهید بهشتی مشهد رفتم و پس از ثبت نام مجدداً به جبهه برگشتم و به منطقه اعزام شدم..

## ■ دوران تحصیل خود را در کدام دانشگاه گذراندید؟

دوره کاردانی تربیت معلم، یک سال در تربیت معلم شهید خورشیدی مشهد بودم سپس انتقالی گرفتم به مرکز تربیت معلم علامه طباطبائی سبزوار. پس از اتمام دوره کاردانی در مقطع کارشناسی شرکت نمودم که ابتدا در کارشناسی رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری با رتبه ۹ پذیرفته شدم که با توجه به مسئولیتی که آن زمان در دانشگاه آزاد اسلامی و همزمان اشتغال در آموزش و پرورش داشتم با توجه به شرایط و به توصیه رئیس دانشگاه تحصیل دوره کارشناسی خود را در رشته علوم تربیتی در دانشگاه آزاد اسلامی سپری کردم و در سال ۱۳۷۷ نیز در مقطع کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، در دانشگاه تهران واحد مرکزی ادامه تحصیل دادم..

## ■ جنابعالی در دوران تحصیل خود چگونه دانشجوی معلمی بودید؟

در زمینه های مختلف فعال بودم، در بسیج، فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و مذهبی و در عین حال برای تحصیلات علمی نیز تلاش می کردم و یادم نمی آید که در دوره تحصیل



رفقایم.

■ **جبهه پیشرو دانشجو معلمان چیست؟**

تهذیب، تحصیل، مبارزه با هوای نفس و خواش های دل

■ **از دانشجو معلمان شهید مرکز بگوئید. دغدغه آن روز آنها چه بود؟ اگر خاطره از آن یاران آسمانی دارید بفرمایید.**

از کدامشان؟ همه شان آسمانی بودند. یکی از دغدغه هاشان این بود که نکند از دوستان شهیدشان بازمانند و یا نتوانند وظیفه شان را به خوبی انجام بدهند. در آن شرایط خاص همه اش خاطره است. چه در ساعت اعزام و چه در زمان عملیات ولی یک جمله عرض کنم، آن هم شب عملیات که با بچه ها بودیم همه شاد بودند واقعا باور تان نمی شود که چقدر شاد بودند آن هم در آن شرایط، در منطقه کوهستانی، اوج زمستان (بهمن ماه)، در قلب دشمن (خاک عراق) و در آن گردنه های پر پیچ و خم عملیات آغاز شد یک عده مجروح، یک عده اسیر و یک عده هم شهید شدند.

■ **خاطره ای کوتاه از دوران تحصیل در تربیت معلم بیان کنید.**

سال دوم قصد انتقال از شهید بهشتی به سبزوار را داشتم حدود ۵۰ نفر بودیم رئیس مرکز شهید بهشتی با انتقال من مخالفت کرد و فرمود شما اینجا بمانید قصد دارم پس از فارغ التحصیل شدن شما را در همین مرکز به کار بگیریم بنده اصرار کردم و عرض کردم من عازم جبهه هستم معلوم نیست که زنده برگردم که اینجا مشغول شوم که همین جمله باعث شد ایشان محبت کنند و با انتقال بنده موافقت شود.

■ **در زمان دانشجویی خود چه دغدغه های برای ازدواج داشتید؟ حال به عنوان یک مسئول چه توصیه هایی برای جوانان دارید؟**

هیچ دغدغه ای نداشتم چون آن زمان جنگ بود و بیشتر ذهن ما به سمت جبهه بود اما بعد از جنگ که فارغ التحصیل شدم توکل بر خدا کرده و از او یاری طلبیدم و خداوند هم کمک کرد و بحمد... ازدواج رضایت بخشی داشتم.

■ **در مورد کلمات زیر نظر خود را در یک کلمه یا جمله بیان کنید:**

**دانشگاه فرهنگیان:** معراج و تحول و تعالی

**دانشجو معلم:** عنصر تحول و عروج

**شغل معلمی:** شرافت و تقدس

**دوران تربیت معلم:** خاطرات همیشه بیاد ماندنی

■ **توصیه ی شما به دانشجو معلمان؟**

قدر موقعیت و موفقیتی را که کسب کرده اند بدانند و خداوند را شاکر باشند و در تقویت و ارتقاء بنیه علمی و اخلاقی توأما تلاش نمایند. در برنامه ها و فعالیت های مختلف دانشکده بعنوان یک عنصر فعال همکاری و مشارکت داشته باشند. محیط را از آن خود بدانند و دیدگاه ها و نظرات خود را در خصوص چگونگی و کیفیت آن بیان نمایند.

■ **اگر قرار باشد به دانشجو معلمان یک هدیه یا مژدگانی بدهید چه چیزی را در نظر می گیرید؟**

نماز اول وقت و مخصوصا به جماعت را توصیه می نمایم. تلاوت قرآن، حداقل روزی یک آیه هم که شده بخوانند و نسبت به بزرگتر ها مخصوصا پدر و مادر مهربان باشند.

■ **قول یک جلسه پرسش و پاسخ با دانشجویان را می دهید؟**

حتما کما اینکه قبلا این جلسات را داشتیم و من بعد هم نیز خواهیم داشت.

با تشکر فراوان از جناب عالی و فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

■ **انتظارات جناب عالی از دانشجویان چیست؟ دانشجویان مرکز را به طور کلی چگونه ارزیابی می کنید؟**

در خصوص خودشان و جامعه و دانش آموزانی که تربیت و آموزش آنها را در آینده به عهده می گیرند احساس مسئولیت نمایند. و احساس من در مورد دانشجویان مرکز علامه طباطبائی این است که: «خیلی دوستشان دارم!»

■ **آینده پیش رو دانشجو معلمان را چگونه ارزیابی می کنید؟**

بسیار موفق، و امیدوارم تلاش کنند که این موفقیت شامل همه آنان بشود و در این خصوص با یکدیگر رقابت نمایند.

■ **چرا کارورزی؟ کارورزی چه تاثیری بر یادگیری یا تقویت مهارت های معلمی دارد؟**

من می توانم به کسانی که وارد کارورزی می شوند فقط بگویم «مبارک است» کارورزی شالوده معلمی است و بهترین موفقیت و فرصت برای یک دانشجو معلم است.

■ **از آزمون صلاحیت دانشجو معلمان بگوئید؟ چرا سرپرست محترم دانشگاه فرهنگیان بر این آزمون تاکید زیادی دارند؟**

به نظر من شرایط و فرایند جذب مناسب است، و تاکید من برای آن است که اگر چه همه خوبند ولی خوبترها و انانی که دارای انگیزه بیشتری هستند وارد دانشگاه فرهنگیان شوند.

■ **وضعیت محل خدمت دانشجویان ورودی ۹۲ مشخص شده است. آیا دانشجویان ورودی ۹۱ نیز تعیین جا می شوند؟ براساس چه ملاک هایی؟**

اخیرا بخشنامه ای دریافت شد که درباره ملاک های محل خدمت دانشجویان ورودی ۹۱ نظر خواهی شده و به زودی هم ممکن است به دانشجویان اعلام شود.

■ **پیگیری های شما برای ارائه رشته های کارشناسی ارشد در مرکز به کجا رسید؟ آیا امیدوار باشیم؟**

فعلا اقدامی صورت نگرفته ولی با توکل به خدا و کمک شما عزیزان سعی می کنیم این اقدام میسر شود.

■ **شما بعنوان رئیس مرکز چه اقداماتی در جهت رفاه دانشجویان انجام داده اید؟ چه برنامه هایی دارید؟**

من کاری انجام نداده ام ولی آنچه که انجام گرفته همت و تلاش همکاران خوب من در حوزه های مختلف بوده است. آنچه ملاحظه می فرمایید. سالن ورزشی، فضای سبز، خوابگاه ها، سلف سرویس و... که البته طرح جامع «دانشگاه فرهنگیان سبزوار» با زمینی به مساحت حدود ۱۰ هکتار (واقع در مقابل دانشگاه حکیم سبزواری) همه از اقدامات این عزیزان می باشد.

■ **چرا وزیر محترم آموزش و پرورش تاکید دارد که نیروهای آموزش و پرورش از مراکز تربیت معلم استخدام گردند؟**

وزیر محترم و ارزشمند، که خود یک فرهنگی هستند، هم تدریس درس را در آموزش و پرورش تجربه کرده و هم امور اجرایی و مدیریتی را، ضمن اینکه با نظام تعلیم و تربیت دنیا آشنایی دارد. و در یک کلام آموزش و پرورش را عمیق می شناسد لذا با این همه تجربه و آگاهی باور دارد که تنها راه موفقیت آموزش و پرورش وجود نیروها و پرسنل فارغ التحصیل از دانشگاه فرهنگیان است.

■ **شما از کسانی هستید که در جبهه های حق علیه باطل حضور داشتید؟ از حال و هوای آن زمان بگوئید.**

آنقدر زیبا و قشنگ که در بیان نمی گنجد.

■ **چرا به جبهه پا گذاشتید؟**

نمی دانم شاید دست خودم نبود ولی آنچه هیچگاه از یادم نمی رود این است که امام و شهدا را خیلی دوست داشتم و دارم مخصوصا

به بهانه نزدیک شدن به سالروز تاریخی ۱۶ آذر،

## روز دانشجو

حمیدرضا اطهری نیا / دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۱



و در این میان سه دانشجو به نامهای قنچچی و بزرگ نیا و شریعت رضوی به شهادت می‌رسند. همان روز ۱۶ آذر پلیس توسط رادیو اعلام کرد: "عده‌ای از دانشجویان در کلاسهای درس نشسته بودند و به پلیس چهره خشنی نشان می‌دادند و پلیس را مسخره می‌کردند و این باعث شده که پلیس به واکنش بيفتد. پلیس قصد زدن دانشجویان را نداشت ولی دانشجویان به پلیس حمله کردند و می‌خواستند اسلحه‌شان را بگیرند. پلیس در قالب دفاع این کار را کرده و قصدش زدن دانشجویان نبوده است." فردای آن روز شاه تیمسار مزینی را برای دلجویی به دانشگاه می‌فرستد تا خودش را از این گناه و تقصیر تبرئه کند. وی با خانواده‌های شهدا ملاقات می‌کند و در دانشگاه به ظاهر از اساتید و روسا عذرخواهی می‌کند. دو روز بعد از واقعه ۱۶ آذر، نیکسون به ایران آمد و در همان دانشگاه، در همان دانشگاهی که هنوز به خون دانشجویان بی‌گناه رنگین بود دکترای افتخاری حقوق دریافت کرد. روز ۱۶ آذر به عنوان روز مقاومت و ایستادگی دانشجویان این سرزمین در برابر استعمار غرب و استبداد و خودکامگی در دفتر تاریخ این سرزمین به یادگار ثبت گردیده است.

برای جلوگیری از تنش و درگیری چندین دانشکده تعطیل اعلام شد و در ادامه سراسر دانشگاه به دستور رییس دانشگاه تعطیل گردید. نیروهای نظامی رژیم که بشدت رفت و آمد دانشجویان را کنترل کرده و در این بین عده‌ای را نیز دستگیر نموده بودند، با حضور در کلاس یکی از اساتید دانشکده فنی (مهندس شمس استاد نقشه کشی) زمینه اعتراض را در کلاس درس ایجاد کردند. آنان قصد داشتند دو دانشجو را که ظاهراً به حضور نظامیان در دانشگاه اعتراض داشتند را دستگیر نمایند. دستگیری دو دانشجو کلاس را به هم زده، دانشجویی دیگر بر روی نیمکت کلاس فریاد می‌زند: "آقا ما چقدر بی عرضه هستیم. چقدر بدبخت هستیم. این کلاس نیست، این درس نیست. یک عده‌ای بدون اینکه از استاد و از کادر دانشگاه اجازه بگیرند وارد کلاس می‌شوند و هیاو در می‌گیرد. دانشکده فنی به هم می‌ریزد و در محاصره کامل نظامیان قرار می‌گیرد و به یکباره فرمان آتش صادر شده و دانشجویان در صحن طبقه اول به خون می‌غلطند عده‌ای زخمی شده

در تاریخ ۲۴ آبان اعلام شد که نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا از طرف آیزنهاور به ایران می‌آید. نیکسون به ایران می‌آمد تا نتایج پیروزی سیاسی امیدبخشی را که در ایران نصیب قوای طرفدار تثبیت اوضاع و قوای آزادی شده است ببیند. در مقابل دانشجویان مبارز دانشگاه نیز تصمیم گرفتند که در فضای حکومت نظامی بعد از کودتای سیاه، هنگام ورود نیکسون، نفرت و انزجار خود را به دستگاه کودتا نشان دهند. دو روز قبل از آن واقعه تلخ (۱۶ آذر) زاهدی تجدید رابطه با انگلستان را رسماً اعلام کرد و قرار شد که «دنيس رايت»، کاردار سفارت انگلستان، چند روز بعد به ایران بیاید. از همان روز ۱۶ آذر تظاهراتی در گوشه و کنار به وقوع پیوست که در نتیجه در بازار و دانشگاه عده‌ای دست گیر شدند. این وضع در روز ۱۵ آذر هم ادامه داشت. و بیشتر اعتراض‌ها از دانشکده پزشکی و داروسازی و حقوق و علوم آغاز شد. صبح شانزده آذر، هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق العاده سربازان و اوضاع غیر عادی اطراف دانشگاه شده، وقوع حادثه‌ای را پیش بینی می‌کردند. فضا بشدت آبدستن حوادث و درگیری بود. بعد از گذشت مدتی

# دو کلمه عرفی حساب (طنز)

به قلم : خواجه ابو العلی مسرور

## ماجرای آقای ناراضی...

شدیم و دنبال آقای ناراضی می روم. همین که وارد سالن آموزشی می شویم باز نیم نگاهی به بنر نصب شده روی دیوار می اندازد که فعالیت های فرهنگی دانشکده را نشان می دهد و آقای ناراضی باز می گوید: «ای بابا، اینا که همش شده اردو، این اردوها کی بوده که ما نبودیم؟ ای بابا چرا من تو عکس نیستم» و باز دوباره ناشکری و غرغر را شروع می کند. آقای ناراضی سرکلاس می رود و ساعت بعد تا چشمش به من می افتد شروع می کند به غرغر که «این چه وضع انتخاب واحده؟ همه چیز به هم ریخته؟ آه آه، چرا خودشان انتخاب نکرده اند. اینطوری که نمی شه» و باز شروع می کند به غرغرو غرغر. لابد آقای ناراضی یادش رفته که ترم قبل خودش کلی غرغر می کرد که «این چه وضعیه چرا خودشون انتخاب واحد می کنن؟ شاید ما نخوایم به درس رو برداریم. مگه اینجا دبیرستانه، ما باید خودمون انتخاب واحد کنیم» دستم را روی شانه ی آقای ناراضی می گذارم و می گویم: «رفیق، خسته نشدی اینقدر غر زدی؟» و می گویم: به قول شاعر: «شکر نعمت، نعمت افزون کند. کفر، نعمت از گفت بیرون کند»

البته بنده ی خدا بی را هم نمی گفت، مخصوصا آنجا که گفت «این ورود و خروج ما فقط باعث میشه از بیت المال کاغذ و خودکار حروم بشه». با آقای ناراضی به سمت سلف می روم که تا وارد سلف می شویم باز می زند به در غرغر که «غذا شور، روغنش زیاده، برنجش خشکه» و یک الهی شکر ناقابل هم نمی گوید و اصلا حواسش نیست که اکیپ مستقر در آشپزخانه به کلی تغییر کرده اند و کیفیت غذاها خدا را شکر خیلی خوب شده. از سلف که بیرون می آییم آقای ناراضی به سمت آبسردکن می رود و شروع به آب خوردن می کند و بعد به جای تشکر و خدارا شکر، فوری می گوید: «آه این هم شد آبسردکن» و رویش را می کند به فضای سبز روبرو و فوری می گوید: «نگاه کن پول ما رو کجا خرج می کنن، آخه ما فضای سبز می خوایم چی کار» و باز به سمت کلاس ها راه می افتد. وسط راه یکهو می ایستد و به زمین اشاره می کند و می گوید: «ای بابا، ببین تو رو خدا نقطه کشیدن که صف واستیم، از جلو نظام، مثل مدرسه ابتدایی» و باز راه می افتد. البته توی دلم کلی خدا را شکر می کنم که از صف و برنامه صبحگاه راحت

داشتم فکر می کردم ما چقدر آدم های ناشکری هستیم. اصلا یاد نداریم برای داشته هایمان خدارا شکر کنیم و پاک فراموش می کنیم که به قول شاعر: «شکر نعمت، نعمت افزون کند. کفر، نعمت از گفت بیرون کند». اگر غیبت نباشد مثلا همین آقای ناراضی، ایشان کلا همیشه از همه چیز ناراضی است و به قول بچه های کامپیوتر استندبای غرغر است. اصلا یادم نمی رود که اوایل ورود آقای ناراضی به دانشگاه، این دانشجوی عزیز (مثل همه ی ما) خودش بود و یک دست لباس تنش و جیبی که از دل مؤمن هم صاف تر بود و حالا هزار ماشالله هم داماد شده و هم با کت شلوار به دانشگاه می آید و هم کیف سامسونت در دست می گیرد و داخلش هم لپ تاپ گذاشته و سوییچ ماشین را هم در جیب گذاشته و با وجود همه ی اینها باز می گوید: «ای بابا، این حقوق بخور و نمیر کفاف خرج های آدمو نمیده» دیروز همین که با آقای ناراضی وارد دانشکده شدیم باز شروع کرد به غرغر که: «ای بابا این مسخره باز یا چیه؟ ثبت ورود و خروج یعنی چه؟ مگه اینجا مهدکودکه و...». خلاصه حسابی داغ کرده بود.

جایگزینی مهره‌ی گردن کودک مبتلا به سرطان با استفاده از چاپگر سه بعدی

# پرینترهای سه بعدی

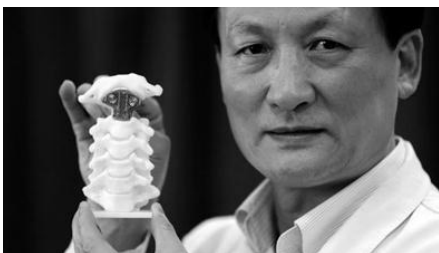
مهندس علیرضا فرداد

کارشناس فناوری دانشکده علامه طباطبائی سبزوار

زده می‌شود این رقم، از ۱۴۱ میلیون دلار به میزان قابل توجه ۸۶۸ میلیون دلار تا سال ۲۰۲۵، افزایش خواهد یافت. زمانی که شما به حضور بی‌سابقه و پر رنگ چاپگرهای سه بعدی و دستاوردهای درخشان آن در عرصه‌ی پزشکی نگاهی بیندازید، به خوبی به علت این امر پی خواهید برد. آخرین درخشش این چاپگرها در عرصه جراحی را می‌توان در بیمارستان دانشگاه پکنینگ (Peking University Third Hospital)

در کشور چین مشاهده کرد، جایی که یک ایمپلنت ساخته شده توسط چاپگر سه بعدی جایگزین مهره‌ی سرطانی گردن پسری دوازده ساله شده است، جراحی که در نوع خود بی‌نظیر است.

مینگ هائو (اسم مستعار)، زمانی که در جریان یک بازی فوتبال دوستانه با سرش ضربه‌ای به توپ زد هیچ گونه احساس درد و ناراحتی نکرد، اما صبح روز بعد با خشکی ناخوشایندی در ناحیه‌ی گردن از خواب بیدار شد. این درد و خشکی اولین چیزی بود که نشان می‌داد مشکلی وجود دارد. یک ماه بعد از این اتفاق، کل بدن این پسر بچه بی‌حس و کرخت شد، به طوری که به سرعت به یک متخصص ستون فقرات ارجاع داده شده و در آنجا با نمونه برداری و آزمایشات دیگر مشخص شد که یک تومور بدخیم سرطانی در دومین مهره‌ی گردنی او جا خوش کرده است.



توسط چاپگر سه بعدی، جایگزین کردند. در حین عمل همچنین اعصاب، عروق سرخرگی، نخاع و بافت‌های آلوده به سرطان نیز پاکسازی شدند. این ایمپلنت مابین مهره‌ی اول و سوم گردنی جای گرفته و با کمک پیچ‌هایی از جنس تیتانیوم محکم شد. جراحان اذعان کردند استفاده از این ایمپلنت سه بعدی در روش‌های کنونی جراحی مفید بوده و گامی رو به جلو در بهبود روند کار و کاهش زمان التیام جراحات به شمار می‌رود.

به دنبال دو ماه بستری شدن در بیمارستان دانشگاه پکنینگ و انجام درمان‌های مرتبط و ارتوپدی، این نوجوان تنها قادر بود چند دقیقه روی پای خود بایستد. در اینجا بود که پزشکان اولین

گام‌ها در استفاده از چاپگرهای سه بعدی برای جراحی مهره‌های گردن را برداشتند.

این روزها دیگر صحبت از مزایا و فواید استفاده از چاپگرهای سه بعدی چندان تازگی ندارد. این محصول به خوبی جای خود را در هر عرصه‌ای پیدا نموده و لحظه به لحظه در حال پیشرفت بیشتر است. حضور چاپگرهای سه‌بعدی در عرصه‌ی پزشکی نیز چندی است که با نوآوری‌های متعدد، رنگ و جلای دیگری به خود گرفته است. برای آشنایی با دستاورد جدید این فناوری، در ادامه‌ی مطلب همراه باشید.

بر طبق تحقیقات صورت گرفته از سوی ID Tech EX ، بازار چاپگرهای سه بعدی در دو بخش پزشکی و دندانپزشکی در آینده شاهد رشدی قابل توجه خواهد بود، به طوری که تخمین

در واقع این یکی از دستاوردهای مهم حضور چاپگرهای سه بعدی در حوزه‌ی پزشکی است، چرا که بدین شکل هماهنگی بیشتری بین ایمپلنت تولید شده با آناتومی بدن بیمار وجود داشته و نتیجه‌ی کار بهتر خواهد بود. این همان چیزی است که این روزها با تولید کاشت‌های مناسب برای جمجمه، آرواره و همچنین ایمپلنت‌های مناسب برای افرادی که دچار "Sleep Apnea" یا حبس نفس در هنگام خواب هستند، شاهد هستیم.

مینگ هائو هنوز قادر به تکلم نبوده و با استفاده از یک تخته وایت برد منظور خود را بیان می‌کند، اما با این وجود اظهار نموده از نظر جسمانی از وضعیت بهتری برخوردار بوده و از روند بهبود خود راضی است.

لیو زانگژونگ (Liu Zhongjun) ، مسئول بخش ارتوپدی و درمان‌های استخوانی بیمارستان پکنینگ، در گفتگو با CCTV.com اعلام کرد:

"با استفاده از فناوری‌های کنونی می‌بایست بعد از عمل جراحی سر بیمار با یکسری بست محکم شود، همچنین نباید در هنگام استراحت تماسی با تخت داشته باشد و این روند در حدود سه ماه به طول خواهد انجامید. اما با استفاده از فناوری چاپگر سه بعدی، می‌توان شکل کاشت را به خوبی طراحی و شبیه سازی کرد، از این روی فرآیند کار راحت‌تر صورت گرفته و نتیجه‌ی قوی‌تر و بهبود سریع‌تری را شاهد خواهیم بود."

در طول یک عمل پنج ساعته، جراحان مهره‌ی سرطانی گردن را خارج و آن را با یک ایمپلنت تولید شده



محمد مقیمی راد / دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۱



c. 200 Million Years Ago



c. 160 Million Years Ago



c. 120 Million Years Ago



c. 80 Million Years Ago



c. 40 Million Years Ago



Present Day

پانوتیا (نام علمی Pannotia) ابرقاره‌ای فرضی است که از دوره کومزایی پان‌آفریقایی در حدود ۶۰۰ میلیون سال پیش تا پایان دوره پرکامبرین در حدود ۵۵۰ میلیون سال پیش وجود داشته است. پانوتیا نخستین بار در سال ۱۹۹۷ توسط ایان دیپل توصیف شد. این ابرقاره با نام ابرقاره وندیان نیز شناخته می‌شود. ابر قاره پانوتیا از حدود ۵۵۰ میلیون سال قبل به چهار قاره لورنتیا، سیریا، بالتیکا و گوندوانا تقسیم شد.

## شکل‌گیری

در حدود ۷۵۰ میلیون سال پیش، ابرقاره رودینیا از هم شکافت و به سه قاره پروتو-لوراسیا (که در نهایت گسیخت و در قالب لوراسیا دوباره شکل گرفت)، کراتون قاره‌ای کنگو و پروتو-گوندوانا (شامل تمامی گندوانا به جز کراتون کنگو و آتلانتیکا) تقسیم شد.

پروتو-لوراسیا با چرخشی به سمت جنوب به سوی قطب جنوب قرار گرفت و چرخش پروتو-گوندوانا در خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت بود. کراتون کنگو در حدود ۶۰۰ میلیون سال پیش در بین پروتو-گوندوانا و پروتو-لوراسیا قرار گرفت و بدین‌ترتیب پانوتیا تشکیل شد. شواهد نشان می‌دهد که با قرار گرفتن توده‌های خشکی فراوان در نزدیکی دو قطب، یخچال‌های بیشتری در این زمان در مقایسه با هر زمان دیگری در تاریخ زمین‌شناسی پدید آمد.

## جغرافیا و دوره

پانوتیا ظاهری شبیه به V بی داشت که به سمت شمال شرقی قرار گرفته باشد. درون این V، اقیانوسی بود که به‌هنگام گسیخت رودینیا شکل گرفته بود. این اقیانوس پانتالاسا نام داشت که بعدتر به اقیانوس آرام اولیه تبدیل شد. همچنین تیغه‌ای میان اقیانوسی در میان این اقیانوس وجود داشت. در خارج از این V، اقیانوس باستانی بسیار بزرگی با نام اقیانوس پان‌آفریقایی قرار داشت که احتمالاً دور پانوتیا را فرا گرفته بود و اندازه‌ای برابر با اقیانوس پانتالاسا داشت.

پانوتیا عمری کوتاه داشت. برخوردهایی که باعث شکل‌گیری این ابرقاره شده‌بودند برخوردهایی زودگذر بودند و قاره‌های تشکیل‌دهنده آن نیز خود داشتند تقسیم می‌شدند. پانوتیا تا حدود ۵۴۰ میلیون سال پیش یعنی تنها ۶۰ میلیون سال پس از تشکیلش از هم پاشید و به ۴ قاره لورنتیا، بالتیکا، سیریا و گوندوانا تقسیم شد. توده‌های تغییر شکل‌داده خشکی سپس بار دیگر به یکدیگر پیوستند و ابرقاره پانجه‌آ شکل گرفت.

اصطلاح دیگری که برای نامیدن ابرقاره‌ای که گمان می‌رود در پایان دوران پیشین‌زیستی نو (نئوپروتریونیک) وجود داشته به‌کار می‌رود «خشکی گواندانی بزرگ» است که در سال ۱۹۹۴ توسط استرن پیشنهاد گردید. بدین‌ترتیب این موضوع که ابرقاره گوندوانا که در پایان دوران پیشین‌زیستی نو شکل گرفت خود زمانی بخشی از ابرقاره بزرگتری در این زمان بوده است توسط این نام تأیید می‌شود.

# آفرینش اسرار آیات

## حرکت زمین در قرآن

باز اسراری که قرآن خبر داده، عبارت است، از حرکت زمین خداوند در سوره طه آیه پنجاه و سوم می‌فرماید: «آنچنان خدایی که زمین را برای شما گهواره قرار داد.» در این آیه شریفه به حرکت زمین یک اشاره زیبا و لطیفی گردیده و با یک رمز جالب، به حرکت زمین اشاره مینماید و مطلبی را که قرن‌ها پس از نزول قرآن برای بشر روشن شد، بیان می‌کند و از کره زمین با لفظ "مهد" تعبیر می‌کند که برای بچه‌های شیرخوار به کار می‌پرند تا در اثر حرکت آن، به خواب و استراحت بپردازند. کره زمین نیز برای بشر حکم گهواره را دارد که در اثر حرکت وضعی و انتقالش، حالت آرام بخشی برای ساکنینش می‌بخشد و همانطوری که نتیجه تکان و حرکت گهواره، پرورش و استراحت بچه است، نتیجه حرکت روزانه و سالانه زمین نیز پرورش انسانها و پرورش تمام موجودات این جهان می‌باشد.

## قانون توازن در قرآن

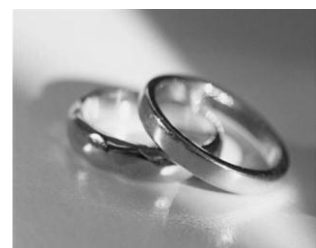
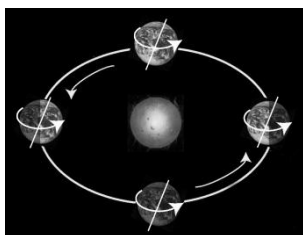
«ما، در روی زمین از هر گیاهی، با توازن رویانیدیم.» (سوره حجر آیه ۱۹) در این آیه به ترکیبات متناسب و متوازن گیاهان که یکی از اسرار دقیق جهان آفرینش است، اشاره شده است. و بر این مطلب دلالت دارد که هر گیاه و علفی که در روی زمین سبز می‌شود دارای یک وزن مخصوص و ترکیب خاصی است و قانون توازن دقیق و اندازه گیری حساب شده در آنها حکومت دارد و اخیراً از نظر گیاه شناسی نیز ثابت گردیده که هر یک از انواع گیاهان از اجزاء و عناصر خاصی و به میزان و مقدار معینی ترکیب و تشکیل یافته است بطوری که اگر بعضی از اجزای آن کم یا زیاد می‌شد، از صورت آن گیاه خاص خارج گردیده و گیاه دیگری می‌شد.

حمیدرضا اطهری نیا

دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۱

## قانون زوجیت در قرآن

قرآن مجید از یک حقیقت علمی چنین خبر می‌دهد که سنت و قانون ازدواج و زوجیت اختصاص به حیوانات نداشته، بلکه در تمام انواع نباتات نیز این قانون حکم فرماست، از جمله در سوره رعد آیه سوم می‌خوانیم «خداوند در زمین از همه میوه‌ها دوجفت آفرید.» و همچنین در سوره یس آیه سی و ششم می‌خوانیم که: «پاک و منزه است، خدایی که جفت‌ها را آفرید جفتهایی از گیاهان و روییدنیاها، از وجود انسانها و از آنچه انسانها آنها را نمی‌شناسند، آفرید.»



# مساله نسبیت انیشتین در قرآن

مهران مظاهری نسب / دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۱

سوی او بالا می‌رود.

همچنین دانشمندان معتقد هستند که در سیاهچاله‌ها بعد زمان وجود ندارد و مناطقی بروی زمین خاصیت سیاهچاله‌ها را دارند! آیات سوره‌ی کهف نیز این موضوع را تایید می‌کنند:

پس ما بر گوش آنها تا چند سالی پرده بیهوشی زدیم پس از آن، آنان را بر انگیزتیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه مدت درنگ در آن غار را بهتر حساب کرد. (سوره الکهف، آیه: ۱۱ و ۱۲)

باز ما آنان را از خواب بر انگیزتیم تا میان خودشان یکی پرسید: چند مدت در غار درنگ کردید جواب دادند یک روز تمام یا که برخی از روز دیگر، گفتند: خدا داناست که چند مدت در غار بودیم... (سوره الکهف، آیه: ۱۹)

دوقلویش در زمین بماند بعد از بازگشت برادری که با سرعت نور رفته هنوز در سن کودکی است اما برادر دیگر پیر شده و صاحب فرزند و نوه و... است!

آیات مختلفی از قرآن مفهوم نسبیت بودن زمان را در خود دارند:

سوره معراج، آیه ۴: فرشتگان و روح (فرشته مخصوص) به سوی او عروج می‌کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.

سوره حج، آیه ۴۷: و از تو با شتاب تقاضای عذاب می‌کنند با آنکه هرگز خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند و در حقیقت یک روز [از قیامت] نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمرد.

سوره سجده، آیه ۵: کار [جهان] را از آسمان [گرفته] تا زمین اداره می‌کند آنگاه [نتیجه و گزارش آن] در روزی که مقدارش آن چنان که شما [آدمیان] برمی‌شمارید هزار سال است به

مساله نسبیت برای اولین بار توسط آلبرت انیشتین در سال ۱۹۱۵ مطرح شد و قبل از انیشتین تصور بر این بود که زمان یک مساله ثابت است.

انیشتین برای اولین بار به روشنی اثبات کرد که زمان به سرعت و جرم جسم وابسته است.

معادله اصلی نسبیت انیشتین به صورت زیر  $G_{\mu\nu} = 8\pi GT_{\mu\nu}$ .

در مساله نسبیت خاص که انیشتین در سن ۲۵ سالگی اظهار داشت بطور خلاصه این چنین بود که در سرعت های بالا که سرعت جسم ثابت است. مثلا وقتی جسمی سرعتی نزدیک به سرعت نور دارد زمان برای او کند تر سپری می‌شود و حجم جسم نیز کاهش می‌یابد. ولی جرم جسم زیادتر می‌شود.

انیشتین مثال های جالبی را نیز آورد مثلا اگر دو برادر یکی با سرعت نور در فضا برود و برادر



مصطفی حاج محسنی

دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی ۹۱



## اندر فواید لیمو ترش

در ۲۵ میلی لیتر از یک روغن حامل مناسب (مانند روغن بادام) مخلوط کرد و آنرا با استفاده از یک دستمال کتانی بر روی ناحیه مبتلا به درد ماساژ داد.

### پاک کننده پوست:

اگر پوست شما چرب است می توانید آنرا با لیمو که یک ماده قابض است تمیز کنید. به این ترتیب که یک قاشق چای خوری آب لیمو را در دو فنجان آب مقطر بریزید و با یک پنبه تمیز صورت خود را با آن پاک کنید. این کار باعث کاهش چربی پوست میشود و از پدید آمدن جوشهای صورت جلوگیری میکند. در صورت استفاده از این لوسیون برای جلوگیری از رشد باکتریها بهتر است هر روز یک محلول تازه درست کنید. مصرف این محلول باعث خشک شدن پوست میشود و برای پوستهای چرب بسیار مفید است. اما در صورت داشتن پوست خشک از مصرف آن خودداری کنید.

### ضد شوره و بر طرف کننده خارش پوست سر:

آب لیمو برای پوست سر بسیار مفید است و شوره سر را کاهش میدهد. عصاره حاصل از آبگیری یک لیموی تازه را حدود ۱۰ دقیقه بر روی پوست سر مالش دهیدو سپس آن را با آب به طور کامل بشوئید. همچنین آب لیمو میتواند به عنوان یک تقویت کننده مو ضد خارش، به صورت ماساژ بر روی پوست سر استفاده شود.

### ضد سرماخوردگی:

آب لیمو یک ضد ویروس عالی میباشد و همچنین مصرف آن برای سرماخوردگی شدید بسیار مفید است. بدین منظور یک عدد لیمو را با مقداری نمک میل کنید. در صورت تمایل میتوان عصاره گرفته شده را در آب رقیق کرد و سپس مصرف نمود.

### یک حالت دهنده خوب برای موها:

بعلاوه شستشوی موی چرب با استفاده از آب لیمو باعث کاهش چربی آن میشود. به این صورت که عصاره حاصل از آبگیری دو عدد لیمو در یک لیتر آب مورد استفاده قرار دهید و موهایتان را با این محلول بشوئید. این روش باعث درخشان و شاداب شدن انواع موها میشود. همچنین مصرف آن باعث میشود موهای طلایی رنگ روشنتر شوند.

### تقویت کننده حافظه:

لیمو تقویت کننده حافظه است. چند قطره از اسانس لیمو را روی یک دستمال ریخته و از طریق بینی استشاق کنید. همچنین میتوان این کار را در مواقعی انجام داد که میخواهید چیزی را به یاد بیاورید. مغز شما با استشاق اسانس لیمو نیروی تازه ای بدست خواهد آورد.

### آرامش دهنده روح:

لیمو همواره به عنوان یک ماده تسکین دهنده روح مطرح بوده است. استشام رایحه معطر لیمو در طی تمرینات تمرکز و تعمق روح (مدیتیشن) بسیار مفید است. برای انجام این کار کافی است که سه قطره از اسانس لیمو را به یک کاسه حاوی آب گرم افزود و آنرا در هوای اتاق قرار دهید. به این ترتیب در طول استشام رایحه معطر لیمو به یک آرامش مطلوب فکری و روحی دست خواهید یافت.

لیمو ترش به علت داشتن خواص اسیدی ضد عفونی کننده ای قوی است، آب لیمو ترش و اسانس آن برای بدن، ذهن و روح بسیار مفید است.

### لیمو سرشار از خواص درمانی

آب لیمو ترش و اسانس آن برای بدن، ذهن و روح بسیار مفید است. اسانس لیمو به واسطه انرژی زا بودن آن مشهور است. در کشور ژاپن به واسطه اثرات شاداب کننده و فرح بخش این اسانس، آن را به هنگام کارکردن کارمندان در فضا منتشر می کنند. همچنین می توان از چند قطره از اسانس لیمو به عنوان بخور استفاده کرد، یا مقداری از آن را در وان حمام ریخت. این کار باعث سر حال شدن کلیه اعضا بدن می شود. البته نباید هرگز اسانس لیمو را بدون رقیق کردن بر روی پوست بکار برد زیرا باعث بروز مشکلات پوستی می شود.

### درخشان کننده چشمها:

سعی کنید در نوشیدنی هایتان از آب لیمو استفاده کنید. فرضاً هر روز صبح یک عدد لیمو را با مقداری آب گرم میل کنید. نوشیدن این مایع به جای نوشیدن چای باعث می شود شما بدن سالمتری داشته باشید. همچنین بر اثر نوشیدن مایعات حاوی آب لیمو، چشمهای شما درخشانتر می شود و پوستی سر حال تر از قبل خواهید داشت. در صورت تمایل برای بهتر کردن طعم آن می توانید از شکر یا عسل استفاده کنید.

### تسکین دهنده گلودرد:

لیمو دارای اثرات ضد عفونی کننده و قابض است و بدین جهت میتوان از آن برای درمان گلودرد استفاده نمود. با توجه به مقدار بسیار زیاد ویتامین "ث" موجود در لیمو، مصرف آن باعث افزایش مقاومت سیستم ایمنی بدن می شود. برای فرد مبتلا به آنفولنزا و سرماخوردگی مصرف مخلوطی از آب لیمو تازه با عسل در یک لیوان آب گرم بسیار مفید است.

### نیرو بخش و تب بر:

مصرف آب لیمو باعث کاهش تب در افراد بیمار میشود. به عنوان مثال اگر چند قطره از اسانس لیمو یا مقداری آب لیمو را به آب سرد اضافه کنید، سپس با استفاده از یک دستمال آن را روی پیشانی تب دار قرار دهید، این کار باعث کاهش تب و تقویت نیروی بدن خواهد شد. ذکر این نکته ضروری است که قبل از قرار گرفتن در مقابل نور آفتاب باید از قرار دادن اسانس لیمو به صورت مستقیم بر روی پوست خودداری شود زیرا ممکن است باعث بروز حساسیتهای پوستی گردد.

### تسکین دهنده درد:

لیمو باعث تسکین سردردهای معمولی و سردردهای میگرنی می شود. برای این منظور میتوان ۵ قطره اسانس لیمو را



# سکته مغزی

دکتر حسن شفیع ثانی

مدرس دانشگاه فرهنگیان- دانشکده تربیت معلم علامه طباطبائی سبزوار

هرساله تعداد زیادی از مردم دچار سکته مغزی می شوند. این مشکل آنقدر عمومی و گسترده است که در بیشتر نقاط دنیا پس از سرطان و بیماری های قلبی، سکته مغزی سومین عامل مرگ و میر است. به طور کلی سکته مغزی به از دست رفتن ناگهانی عملکرد مغز در نتیجه اختلال خون رسانی به مغز یا پارگی عروق مغزی گفته می شود. این اختلال خون رسانی یا پارگی عروق موجب مردن سلول های مغزی در ناحیه درگیر می شود. گاهی اوقات مغز دچار کم خونی گذرا به صورت حمله ای می شود، که در این حالت شخص دچار علائمی مانند: ضعف یا سوزش اندام ها میشود. که این علائم نشانه ای بسیار مهم است که خبر از وقوع سکته مغزی می دهد. کسانی که سیگار می کشند، فشارخون بالا دارند و یا دچار دیابت و بیماری قلبی هستند در خطر بیشتری قرار دارند. تغییرات هورمونی ناشی از بارداری، زایمان و یائسگی نیز با افزایش خطر سکته مغزی همراه می باشند. مصرف رژیم غذایی سالم، غنی از سبزی و میوه و غلات، کنترل وزن مناسب، ورزش منظم، کنترل استرس های روزمره، کنترل فشار خون و کلسترول، ترک سیگار، کنترل دیابت و بیماری های قلبی همگی در پیشگیری از حمله سکته مغزی مؤثرند. بایستی در نظر داشته باشید که پیشگیری از سکته مغزی بسیار راحت تر از درمان عوارض ناشی از آن است.



# یلدا

## سیرایش مذاکار

را تجربه کردند و هیچگاه قامت خم نکردند. و آدم ها این با هم بودن ها را ذخیره می کنند برای روزهای آتی ؛ برای پاییز هایی که کمتر فرصت دست می ده تا دیداری تازه کنند، سلامی کنند و یکدیگر را در آغوش بگیرند.

کمی از فلسفه بافی های این حقیر بگذریم... برویم سراغ فال حافظ نامدار؛ هندوانه ی گرد سبز راهدار؛ انار شیرین آبدار و پسته ی... پسته ی؟؟؟؟..... پسته ی!!!!... نمیدانم ؛

از شما چه پنهان این اواخر ضرر هایی برای استعمال پسته کشف کردیم که از خوردن آن صرف نظر نموده ایم.

با پسته یا بی پسته کمافی السابق این با هم بودن ها عجیب به تمنان می چسبد.

و آنچه حیف است ناگفته بماند تجربه ی شب یلدا در خوابگاه دانشجوییست... همیشه اتفاقات آن طوری که ما فکر می کنیم رخ نمی دهد. گاهی اوقات! فقط گاهی گاهی اوقات بهتر از آن چیزی می شود که فکرش را می کنیم؛ و در آخرین یلدایمان مصداق همین گاهی اوقات بود. آن شب به طور مشکوکی به ما خوش گذشت..؛

مشکوک از آن لحاظ که خودمان انتظارش را نداشتیم.

در وصف آن شب همین را بگویم که آرزو دارم؛ همچون شبی را در کلکسیون شب های یلدایتان داشته باشید.

نویسنده: یک راست دست محترم

به نام آنکه در هجران غربت به دل ها می دهد درس محبت

بچه که بودیم به گوشمان خورده بود که یلدا بلندترین شب سال است.

چقدر آن شب بلند بود

یادم می آید کمی بیشتر از همیشه با بچه محل هایمان بازی میکردیم. کمی بیشتر از همیشه پای جعبه ی جادویی می نشستیم.

بیشتر از همیشه بی خوابی میکشیدیم.

تازه آخرش هم که می گرفتیم می خوابیدیم ، حداقل یکی دوبار از خواب بلند میشدیم و میدیدیم ای بابا! هنوز که شب است.

حال آنکه دیگر خوابمان نمی آمد.

کمی بزرگتر شدیم تازه فهمیدیم با یک دقیقه بیشتر ، چه ها که نمی کردیم !! بگذریم ....

این طور بنظر می رسد که در عصر ماشینی امروز یلدا یک ضرورت است.

بعد از اینکه سه ماه، سوز پاییزی به آرامی در گوشت و پوست آدمی نفوذ کرد او دیگر آماده است تا با تازیانه های بی رحمانه ی زمستان از پا در آید پس سعی می کند در آخرین شب پاییز؛ قدری هوشمندانه به استقبال زمستان بروند.

دور هم جمع می شوند ؛ آن هم معمولاً در خانه ی بزرگ فامیل ...

همان هایی که انبوهی ازین سردی های روزگار

# چند حکایت

## اشتباه فرشتگان

درویشی به اشتباه فرشتگان به جهنم فرستاده می شود. پس از اندک زمانی داد شیطان در می آید و رو به فرشتگان می کند می گوید: جاسوس می فرستید به جهنم؟ از روزی که این آدم به جهنم آمده مدام در جهنم درگفت و گو و بحث است و جهنمیان را هدایت می کند و عرصه را به من تنگ کرده است!

سخن درویش این چنین بود: با چنان عشقی زندگی کن که حتی اگر تو به تصادف به جهنم افتادی، شیطان تو را به بهشت بازگرداند.

محمد محمدی جم

کارشناس آموزش دانشکده علامه طباطبائی سبزوار

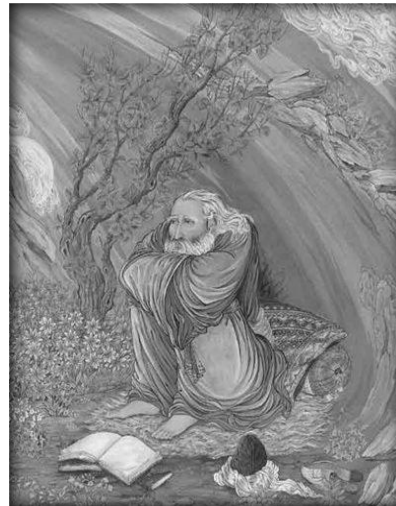


## معمای جالب قصاب:

روزی یک قصاب برای خریدن تعدادی گاو، غاز و مرغ به بازار رفت. قیمت هر گاو ۱۵ سکه، هر غاز ۱ سکه و هر مرغ یک چهارم سکه بود. این قصاب صد سکه همراه داشت و میخواست با این پول، دقیقاً صد حیوان بخرد. آیا این امکان پذیر است؟ (توجه کنید این قصاب از هر حیوان حداقل یکی لازم دارد)

احسان معصومی اصل

دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی  
ورودی بهمن ۹۱



## روزی زاهد

زاهدی در بنی اسرائیل، زندگی می کرد. روزی از شهر بیرون می رفت. در گوشه ی غاری نشست و مشغول عبادت شد. او تصمیم گرفت، در تنهایی با توکل به خدا همانجا بنشیند، تا خداوند روزی او را برساند. یک هفته گذشت. چیزی برای او حاصل نشد. گرسنگی او شدت یافت. مرگ را در چند قدمی خود احساس می کرد. به پیامبر روزگارش وحی شد که به آن زاهد بگو به بزرگی ام سوگند، تا وارد شهر نشوی و با مردم نباشی، به تو روزی نمی دهم.

زاهد به شهر بازگشت. مردم از گوشه و کنار نزد او می آمدند و هر کدام برایش چیزی می آوردند. با خود اندیشید. این چه حکمتی داشت؟ خداوند به پیامبر وحی کرد. به زاهد بگو: «تو می خواستی با پارسایی و گوشه نشینی، حکمت مرا باطل کنی. نمی دانستی که من دوست دارم روزی بندگانم را از دست دیگران به آنها بدهم نه از قدرت خودم. تو بندگی کن، کار فرمانروایی و روزی رسانی را به ما واگذار.»

## پارسای خیال باف

مردی پارسا در همسایگی بازرگانی زندگی می کرد. او هر روز مقداری شهد و روغن می فروخت و قدری از سرمایه خویش را برای مرد پارسا می فرستاد. پارسا مقداری از آن را استفاده می کرد و بقیه را در ظرفی گلی می ریخت. ظرف گلی کم کم پر می شد. مرد پارسا، روزی به ظرف نگاهی کرد و به فکر فرو رفت که: «اگر این شهد و روغن را به ده درهم بفروشم، پنج راس گوسفند می خرم و هر ماه، آنها پنج گوسفند دیگر می زاینند. بهد از مدتی من چندین گله گوسفند دارم. اینها برای من سرمایه و پشت گرمی می شوند. اسباب و وسایل زندگی را تهیه می کنم. زنی با اصل و نصب می گیرم. بدون شک، او برایم پسری می زاید. نامی نیکو برای او در نظر می گیرم. وقتی بزرگ شد اگر نافرمانی کرد با این عصا او را تنبیه می کنم». این فکر آن چنان بر او مسلط شد که ناگاه عصا را برداشت و به ظرف روغن زد. ظرف روغن شکست و شهد و روغن، روی زمین ریخت.

کلیله و دمنه





## برگ خاطراتی از اردوی فرهنگی معرفتی حیات طیبه

میثم خوش سیما

دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم تربیتی، ورودی بهمن ۹۱  
(شرکت کننده در اردوی معرفتی فرهنگی حیات طیبه)

اردوی فرهنگی معرفتی حیات طیبه که به مدد نهاد رهبری دانشگاه فرهنگیان در مشهد برگزار شد اردویی کامل و جامع بود که هم بار فرهنگی فراوان و هم اردویی واقعا معرفتی بود. از سراسر دانشگاه های فرهنگیان کشور تعدادی دانشجو آمده بودند. دانشجو هایی که نخبه علمی و فعال فرهنگی بودند. تعدادمون حدودا ۵۰۰ نفر بود از دانشگاه ماهم ۸ نفر. توان این اردو حضور داشتند. واقعا فضایی جالبی داشت. پردیس شهید بهشتی که از همه لحاظ به ماریسیدگی کرد. واقعا عالی بود. آشنا شدن با دوست های زیاد که بعضی هاشون برای اولین بار بود آمده بودند. مشهد. همه خوش حال با طراوت و سرزنده

بودند. برنامه ریزی های بسیار عالی تدارک دیده شده بود. شب اول رفتیم حرم. هر روز صبح ساعت ۴ اتوبوس ها آماده می رفتیم حرم. بعدش صبحانه و کلاس شروع میشد. با افرادی از نزدیک دیدار داشتیم که تا این سن فقط تو قاب تلویزیون دیده بودیمشون. حاج اقا قرائتی. استاد رحیم پور از غدی. حاج آقا راستگو. حجه السلام والمسلمین علم الهدی. دکتر مهر محمدی و... کلاس های بی نظیری برگزار کردند. توان دوره ی ۸ روزه. فکر میکنم تجربه ی شام خوردن کنار آرمگاه فردوسی جالب باشه. یالین که صبح خروس خون ساعت ۳.۵ بربری جبل النور غبار روبي شهدا. فرهنگسرای

موضوعی زیارت هم که همه دانشجو ها رومتحول کرده بود... از همه جالب تر تو این اردو برگزاری کرسی های آزاد اندیشی بود که واقعا همه دانشجو ها حرف دلشون میزدن. در حضور مسئولین. مشکلاتشون که میگفتن ما واقعا متاثر شدیم. اونجا بود که قدر دانشگامون دونستیم... به هر حال خاطرات و کوله بار زیادی از تجربه توان این اردو کسب کردیم و از همه بافضیلت تر این بود که ۸ روز مهمان خورشید خراسان حضرت ثامن الحجج بودیم. یادمه روز اختتامیه همه گریه میکردیم. یه جورایی دل کندن از اقامون سخت بود ولی دیگه این اردو تموم شده بود. تجربه ی واقعا عالی بود... جای همتون خالی بود....





# اخبار دانشکده

**برگزاری دعای پر فیض عرفه در دانشکده علامه طباطبائی سبزوار**  
روز شنبه ۹۳/۷/۱۲ مصادف با روز عرفه دعای پر فیض عرفه به همت کارکنان ، اساتید و دانشجویان در محل محوطه دانشکده برگزار گردید.

**حضور مسئول محترم نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشکده علامه طباطبائی سبزوار**  
روز شنبه مورخ ۹۳/۶/۲۹ و به مناسبت فرارسیدن هفته دفاع مقدس و آغاز سال تحصیلی جدید حجت الاسلام و المسلمین اراکی جودکی مسئول محترم نهاد نمایندگی ولی فقیه و جمعی از مسئولین پردیس شهید بهشتی مشهد با حضور در دانشکده علامه طباطبائی سبزوار مورد استقبال مسئولین و دانشجویان دانشکده قرار گرفتند . ایشان در این دیدار ضمن بازدید از قسمتهای مختلف دانشکده در جلسه ای با حضور نمایندگان تشکل های دانشجویی شرکت نمود .

**حضور سرپرست دانشگاه فرهنگیان در مرکز آموزش عالی علامه طباطبائی سبزوار**  
روز جمعه مورخه ۹۳/۶/۷ جناب آقای دکتر محمود مهر محمدی سرپرست محترم دانشگاه فرهنگیان ، و آقایان فراهانی مدیر کل محترم حوزه ریاست ، حسینی معاونت محترم دانشجویی و مختارزاده سرپرست پردیس شهید بهشتی مشهد از دانشکده علامه طباطبائی بازدید به عمل آوردند . ایشان پس از از بازدید از واحدهای اداری ، آموزشی ، خوابگاهی و ورزشی از پروژه در حال احداث مرکز علامه طباطبائی که به مساحت ده هکتار ، که در همجواری دانشگاه حکیم سبزواری قرار گرفته بازدید به عمل آوردند . ایشان همچنین با استاد فرزانه و حافظ قرآن دکتر حاج میرزا احمد کرابی و نیز پنجشنبه شب مورخه ۹۳/۶/۶ با حضور در بیت امام جمعه و نماینده ولی فقیه شهرستان سبزوار دیدار کردند . دکتر مهر محمدی در ادامه دیدار های خود با حضور در منزل دانشجو معلم شهید مهدی خلقی ضمن ادای احترام به روح این شهید عالیقدر با خانواده بزرگوارشان به گفتگو پرداختند .

**بازدید معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش و نمایندگان مجلس از پروژه دانشکده علامه طباطبائی سبزوار**  
آقای دکتر رئیسی معاون عمرانی وزارت آموزش و پرورش روز دوشنبه ۹۳/۴/۲۳ به همراه نماینده محترم شهرستان جناب آقای سبحانی و مدیر کل نوسازی مدارس خراسان رضوی از محل اجرای پروژه دانشکده علامه طباطبائی سبزوار بازدید نموده و در جریان روند اجرایی پروژه قرار گرفتند .  
شایان ذکر است پروژه جامع دانشکده تربیت معلم علامه طباطبائی سبزوار از سال گذشته در زمینی به مساحت ۸۰۰۰۰ متر مربع ( ۸ هکتار ) و در یکی از بهترین نقاط شهر ( حاشیه بلوار اصلی و روبروی دانشگاه حکیم سبزواری ) با زیر بنای اولیه ۱۵۰۰۰ متر مربع برای ساختمانهای آموزشی ، خوابگاه ، سلف ، سالن ورزشی ، نمازخانه و ... در حال احداث میباشد .

**انتصاب مدرس دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبائی سبزوار به سمت معاونت استادار و فرماندار ویژه شهرستان سبزوار**  
آقای احمد برادران مدرس دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبائی سبزوار و مدیر گروه علوم تربیتی این مرکز ، طی حکمی از سوی وزیر کشور آقای ، عبد الرضا رحمانی فضلی به سمت معاون استادار و فرماندار ویژه شهرستان سبزوار منصوب گردیدند .

## کسب مقام توسط دانشجویان مرکز در مسابقات فرهنگی هنری استانی

- مقام اول استان رشته داستان نویسی - آقای علی شادان
- مقام اول استان رشته تحقیق و پژوهش - آقای علی سردارآبادی
- مقام اول استان رشته تئاتر صحنه ای (نماهنگ) - گروه هنری دانشکده
- مقام دوم استان تهیه فیلم کوتاه - آقای علی دلفراز
- مقام دوم استان رشته وبلاگ نویسی - آقایان علی بیدی و میثم خوش سیما
- مقام دوم استان رشته نرم افزار - آقای امیر حسین ربانی
- مقام دوم استان رشته داستان نویسی - آقای مهدی شیرزادخانی



إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

به یاد دوست عزیزمان، دانشجو معلم،

## مرحوم سعید احمدی نژاد

اهل سرو صدا نبود. آرام می رفت و می آمد.

آرام لبخند می زد، آرام آرام آرام.

امروز هم راحت بخواب رفیق، راحت و آرام، مثل تمام روزهای بودن

ما خودمان فکری خواهیم کرد برای عصرهای دلگیر خوابگاه بدون تو...

تو آرام باش سعید جان، آرام بخواب...

خبر، خبر خوبی نبود.

کوتاه و سنگین.

سعید احمدی نژاد، بعد از این، همیشه غیبت خواهد کرد. «همین»...

روحش شاد



# وکل ارض کربلا کل یوم



## اِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدٰی وَ سَفِیْنَةُ النِّجَاةِ

عزاداری در محرم، احیاء خط خون و شهادت و رشادت و آزادگی و رساندن صدای حقانیت و مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به گوش تاریخ است.

ضمن عرض تسلیت ایام سوگواری سیدالشهداء (ع) و یاران باوفایش به اطلاع می‌رساند «هیئت فرهنگی مذهبی احباب الحسین (ع)» وابسته به مرکز آموزش عالی علامه طباطبائی سبزوار، جهت ترویج فرهنگ عاشورایی از سال 1389 به همت جمعی از شیفتگان اهل بیت (دانشجویان، استادان، همکاران اداری و اهالی منطقه) در دهه اول محرم مراسم عزاداری شهدای دشت کربلا را در محل نمازخانه و محوطه مرکز با حضور برادران و خواهران در فضایی معنوی و فرهنگی با اجرای برنامه‌های، تلاوت قرآن کریم توسط قاریان برجسته شهرستان، قرائت زیارت عاشورا، قرائت متن ادبی، مقاله و شعرآیینی، سخنرانی توسط فضلاء حوزه و دانشگاه، ذکر مصیبت و مرثیه خوانی توسط مداحان اهل بیت از ساعت 19:30 تا 21 برگزار می‌کند. لذا از عموم محبان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به ویژه استادان، دانشجویان و فرهنگیان عزیز دعوت به عمل می‌آید، امسال نیز با حضور در این محفل روحانی غبار جان به اشک دیده بشویند.

« هیئت فرهنگی، مذهبی احباب الحسین (ع) »

اسلام علیکم ایہ بیت النبوة



لین محمد صفر  
است کہ اسلام لا زندہ نہ دلشہ است.



۱۰ محرم - عاشورای حسینی / ۱۲ محرم شہادت امام زین العابدین (ع) / ۲۰ صفر - اربعین حسینی

۲۸ صفر - رحلت حضرت رسول اکرم (ص)، شہادت حضرت امام حسن مجتبیٰ (ع) / ۳۰ صفر - شہادت امام رضا (ع)